

یادداشت

دولت مخالف

کوچک‌سازی دولت

مسعود سپهر

جامعه‌شناس سیاسی

هیچ کس به اندازه «استالین» در طول تاریخ، توسعه غول‌اسای دولت در همه عرصه‌ها و دولتی کردن همه‌چیز را به انجام نرساند و هم‌اوست که گفت، گاو دولت کمتر شیر می‌دهد. به ظاهر حاکمان بر کاستی‌ها و معایب دستگاه دولتی غول‌آسا و گسترش تصدیگری، به ویژه بر شئون اقتصادی واقفند و هم‌زمان هم به آن دامن می‌زنند. مثل معنادی که علی‌رغم آگاهی به زیان‌های مواد مخدر، هر روز بر میزان مصرف خود می‌افزاید و این تمثیلی گویاست. نشئه قدرت از نشئه مواد مخدر بیشتر است. بزرگ شدن دستگاه اداری و افزایش مستخدمین و شبکه بوروکراتیک، تضمینی برای تداوم قدرت حاکمان است. در بسیاری از نظریه‌های جامعه‌شناسی سیاسی، از طبقات اجتماعی به عنوان پایگاه و تکیه‌گاه قدرت سیاسی یاد می‌شود. به عنوان مثال، در سوسیال‌دموکراسی‌های غربی، طبقه متوسط به عنوان پایگاه قدرت اجتماعی حاکمیت شناخته می‌شود. در نتیجه اقدامات دولت‌ها در راستای حفظ و ارتقای موقعیت اقتصادی و اجتماعی و آمال طبقه متوسط ارزیابی می‌شود، همچنان که در نظام‌های نئولیبرال غرب، طبقه سرمایه‌دار تکیه‌گاه حاکمان است.

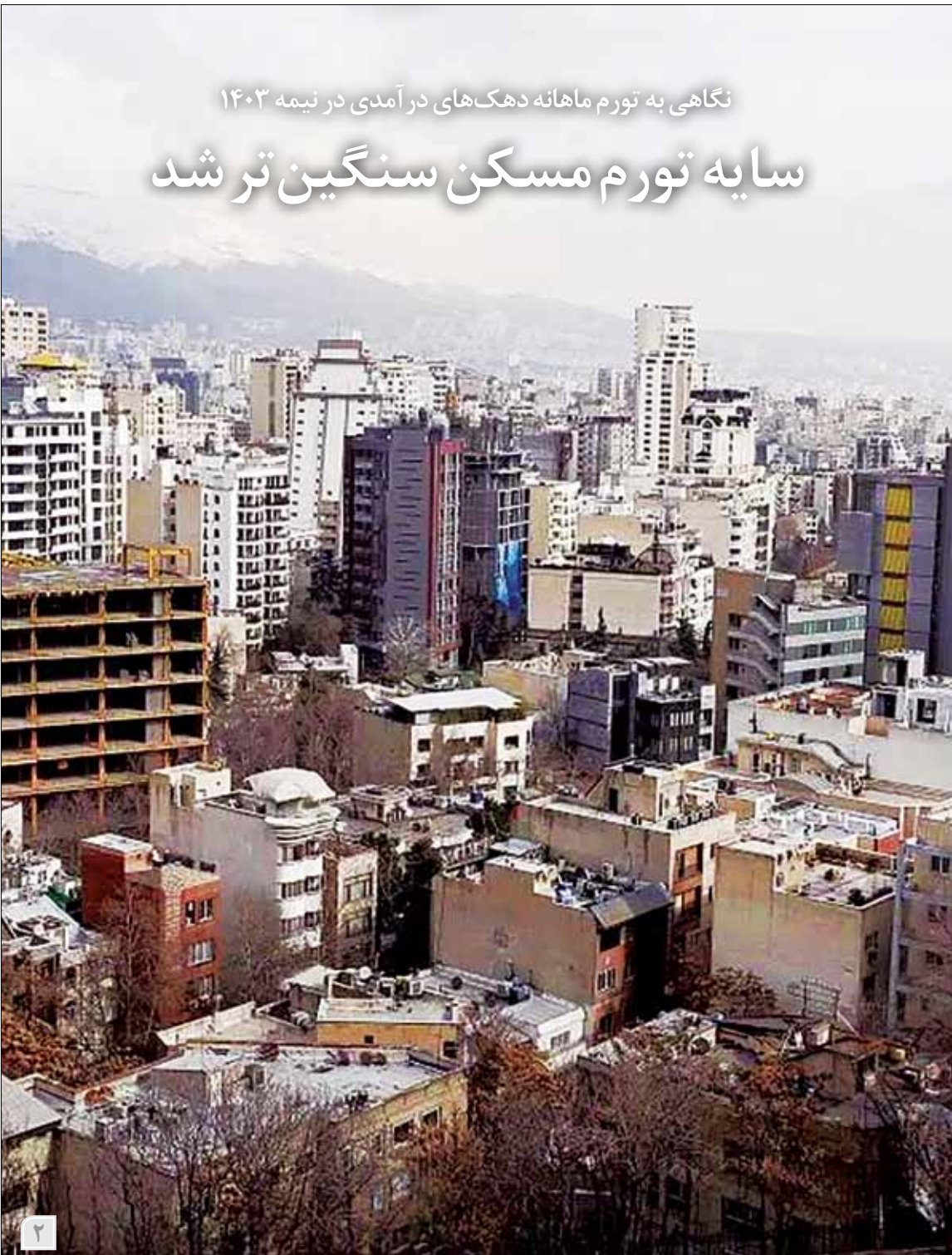
ادامه در همین صفحه

فرصت امروز

برای کسب وکار آفرینی

نگاهی به تورم ماهانه دهک‌های در آمدی در نیمه ۱۴۰۳

سایه تورم مسکن سنگین‌تر شد



دولت مخالف کوچک‌سازی دولت

کارکنان دولت هیچ آمار دقیق و رسمی وجود ندارد، چون انجام اقداماتی به نام کوچک‌سازی دولت و ایجاد تشکیلات موزای دولت، مثل نیروهای شرکتی و نهادهای خصولتی و استخدام‌های پیمانی و تشکیلات آشکار و پنهان با بودجه دولتی با عنوان‌های خیره و پژوهشی و عام‌المنفعه و امنیتی و اوقافی و امثال اینها، هیچ آمار رسمی و قابل اطمینانی از حجم واقعی دولت وجود ندارد. خصوصی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی وابسته به دولت تحت عناوینی مثل رد دیون به صندوق‌های بازنشتگی و توزیع سهام عدالت، همه معایب دولتی بودن مانند فقدان بهره‌وری به انضمام همه فسادهای بخش خصوصی مانند سودجویی سیری‌ناپذیر مدیران را یکجا دارد. ادغام وزارتخانه‌ها، هیچ کاهشی در هزینه و پرسنل نداشت‌ه است و به همه اینها باید آمدن اتوبوسی و

طبعاً قابلیت افناع بیشتری دارد. از سوی دیگر، در دولت‌های رانتییر که بخش بزرگی از بودجه دولت از محل فروش منابع طبیعی در اختیار حاکمیت قرار می‌گیرد، توزیع رانت و امتیازات بین کارکنان دولت، انگیزه مهمی برای پیوستن به این طبقه جدید و البته پایداری قدرت است. در ایران سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و همه برنامه‌های پنج ساله به عنوان قوانین مادر و بالادستی، به روشنی و حتی با ذکر جزئیات کمی، اهداف و نحوه کوچک‌سازی دولت را در طول زمان برشمرده‌اند، اما از سال ۱۳۵۶ که تعداد کارکنان دولت ۹۵۰ هزار نفر بوده است و البته همان زمان هم رژیم شاه یکی از متورم‌ترین دولت‌های جهان محسوب می‌شد تا امروز، تعداد کارکنان به بیش از ۵ میلیون نفر رسیده است. البته از

در اتحاد جماهیر شوروی به ظاهر حکومت متکی بر طبقه کارگر بود، اما همان‌گونه که «میلون جیلان» در کتاب «طبقه جدید» به روشنی نشان می‌دهد در واقع، یک طبقه برگزیده بوروکرات حزبی و کارمندان دولتی هستند که حکومت می‌کنند و طبعاً از بالاترین مزایا و منافع نیز بهره می‌برند. در این نظاها کارکنان دولت، بخشی از تقسیم‌بندی کلاسیک طبقات اجتماعی مثل خرده بورژوازی یا طبقه متوسط نیستند، بلکه خود آنچنان گسترده شده‌اند و منافع و آمال و حتی سبک زندگی مشترک یافته‌اند که تبدیل به یک طبقه اجتماعی و بلکه پایگاه اصلی قدرت حاکم می‌شوند. در نظام‌های سیاسی مبتنی بر حامی‌پروری، این طبقه اجتماعی جدید، توسعه و قدرت می‌یابد و اگر قدرت سیاسی با چاشنی ایدئولوژی همراه شود

حسین حقگو، کارشناس اقتصادی

آینده «صنعت» در ایران، بستگی به فرآیند «توسعه صنعتی» در این سرزمین دارد. به عبارتی، عملکرد صنعت آن‌چنان‌که گفته شده است «حاصل‌تعمال پیچیده عوامل مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی فرهنگی است که تنها با چیدمانی خاص از مجموعه این عوامل تبدیل به توسعه صنعتی می‌شود.» در این تعریف طبعاً صنعت و فراتر از آن، توسعه صنعتی در مجموعه‌ای از کارخانه‌ها و نصب ماشین‌آلات و… خلاصه نمی‌شود که محصولاتی را طبق برنامه و خواست سیاستگذار، تولید و در بازاری کنترل‌ی به فروش برسانند. چنان‌که صنعت و توسعه صنعتی در جهان مدرن، نه زیرمجموعه بخش اقتصاد، بلکه به‌عنوان مرحله‌ای از توسعه اقتصادی و گذار به توسعه همه‌جانبه و عامل کلیدی برای ارتقای بهره‌وری دیگر بخش‌های اقتصادی و افزایش تولید ملی، ایجاد اشتغال پایدار و توسعه مناسبات اجتماعی محسوب می‌شود. بر این اساس، آنچه از صنعت در جهان امروز موردنظر است، برآمده از تحول در ذهنیت و عینیت و فرهنگ جامعه و بر بستری از امنیت حقوق و مالکیت فردی، مناسبات خوب خارجی، ارتقاء سطح دانش و مهارت، وجود زیرساخت‌های نهادی و فیزیکی مناسب، برقراری فضای مناسب در اقتصاد کلان، و محیط مناسب کسب‌وکار و نظایر ایناست. فروکاستن این امر بس مهم و ساختاری به ایجاد چند کارخانه و تولید چند میلیون تن از یک یا چند محصول، آن هم متکی به منابع طبیعی، درکی مایل‌مدن و صنعتی و متأسفانه تعریف غالب در فضای ذهنی تصمیم‌گیران کشورمان است. براساس همین درک ضعیف از مفهوم توسعه صنعتی، چند برنامه به‌اصطلاح «راهبردی» در دولت‌های اخیر، تدوین و تصویب شد که طبق آنها مثلاً مقرر بوده که در سال ۱۴۰۴ چند میلیون خودرو، یا بیخچال و کوپلر ای، یا صنعتی، نرخ ارز، سود بانکی و تعرفه، قوانین کار و تأمین اجتماعی، چالش‌های محیط کسب‌وکار، وضعیت و ترکیب اشتغال صنعتی، بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی در رشته‌های مختلف، اندازه بنگاه‌های صنعتی، درجه انحصار و مالکیت و… شناختی که متأسفانه بنا بر علمی و از جمله فقدان اطلاعات و داده‌های آماری در حد بسیار

نسبیتی ندارد.

فرآیند توسعه صنعتی در کشورمان، گذشته و حال و آینده‌ای دارد. بر این اساس، تحول در این حوزه نیازمند اولاً، تبیین وضعیت موجود در معنای بررسی و شناخت واقعیت‌های صنعتی امروز کشور است و سیاست‌های خرد و کلانی که بر فعالیت بنگاه‌های صنعتی و اقتصادی تأثیر گذارند، اعم از حقوق مالکیت و سیاست و تعاملات خارجی و زیرساخت‌های فیزیکی، وضعیت توسعه خوشه‌های صنعتی، نرخ ارز، سود بانکی و تعرفه، قوانین کار و تأمین اجتماعی، چالش‌های محیط کسب‌وکار، وضعیت و ترکیب اشتغال صنعتی، بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی در رشته‌های مختلف، اندازه بنگاه‌های صنعتی، درجه انحصار و مالکیت و… شناختی که متأسفانه بنا بر علمی و از جمله فقدان اطلاعات و داده‌های آماری در حد بسیار

در ادامه روند نزولی بورس، سطح ۲.۱ میلیون واحدی از دست رفت

فروکش هیجان طلایی‌ها

فرصت امروز: شاخص کل بورس تهران در معاملات روز گذشته، کانال مهم و روانی ۱.۲ میلیون واحد را از دست داد. روند نزولی بورس تهران برای هشتمین روز متوالی ادامه یافت و جریان خروج پول حقیقی به نهمین روز متوالی خود رسید. شاخص کل بورس تهران در معاملات روز دوشنبه، ۷ هزار و ۷۷۰ واحد نسبت به روز یکشنبه پایین‌تر ایستاد و در ارتفاع ۲ میلیون و ۹۳ هزار…

سهام آموزش و پرورش از بودجه در ۳ سال اخیر آب رفت

رتبه ۱۱۲ ایران در هزینه‌کرد آموزش

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران (GDP) خرج آموزش و پرورش می‌شود که کشورمان را در رتبه ۱۱۲ جهان قرار می‌دهد. سهم بودجه آموزش و پرورش از کل منابع عمومی دولت در سال‌های گذشته کاهش یافته و کاهش این شاخص می‌تواند نشان‌دهنده مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در آینده نزدیک باشد. سهم بودجه آموزش و پرورش از کل منابع عمومی دولت در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۳ تقریباً تغییری نداشته و از ۱۱.۵ درصد به ۱۱.۳ درصد رسیده است. در واقع، روند سهم بودجه آموزش و پرورش از کل منابع عمومی دولت در این سال‌ها به شدت نوسان داشته و این نوسان از فقدان برنامه مشخص در توسعه سرمایه انسانی باکیفیت و اهمیت پایین آموزش و پرورش در کشور حکایت دارد. براساس آمارها تا پیش از سال ۱۳۹۹، رشد منابع عمومی دولت و بودجه آموزش و پرورش در خلاف جهت یکدیگر بوده است؛ یعنی زمانی که رشد منابع عمومی دولت افزایشی بوده، رشد بودجه آموزش و پرورش کاهش داشته و از همین‌رو، سهم این بخش از کل منابع عمومی نزولی شده است. در سال‌هایی که عکس این امر اتفاق افتاده، سهم آموزش و پرورش از منابع عمومی افزایش یافته است. این یعنی وقتی جیب دولت پر پول‌تر شده، توجهش به بودجه آموزش کاهش یافته است. این سهم ۳.۲ درصدی آموزش‌وپرورش از تولید ناخالص داخلی، ایران را در رتبه ۱۱۲ جهان قرار می‌دهد. کوبا با ۱۱.۵ درصد در رتبه اول…

۳

امور مالی غیرمتمرکز یا دیفای چیست و با چه چالش‌هایی روبه‌رو است؟

آینده خدمات مالی غیرمتمرکز

۲

مدیریت و کسب‌وکار

کاهش هزینه‌ها در سازمان‌های بزرگ

وقتی صحبت از کاهش هزینه‌ها می‌شود، خیلی از کارآفرینان خیال می‌کنند این تکنیک‌ها فقط به درد کسب و کارهای کوچک یا استارت‌آپ‌های تازه نفس می‌خورد. انگار که برندها یا سازمان‌های بزرگ در حاشیه امن انکارناپذیری قرار دارند. این دقیقاً همان پیشفرضی است که کار دست اغلب مدیران می‌دهد. خب چه کسی گفته سازمان‌های بزرگ نیازی به صرفه‌جویی در هزینه‌ها ندارند؟ در دنیای کسب و کار امروز، مدیریت هزینه‌ها یکی از مهمترین عوامل موفقیت برای سازمان‌های بزرگ است. هرچند درآمد بالا می‌تواند یک سازمان را به سودآوری برساند، اما بدون کنترل صحیح هزینه‌ها، حتی درآمدهای بزرگ نیز به سرعت می‌توانند تبدیل به ضرر و زیان شوند. به همین دلیل، کاهش هزینه‌ها و مدیریت صحیح منابع مالی یکی از اولویت‌های کلیدی در مدیریت سازمان‌های بزرگ است. سازمان‌های بزرگ، به دلیل گستردگی عملیات و پیچیدگی‌های مدیریتی، با…

بلکه با قطار پرسنل اضافی به نهادهای دولتی با هر انتخابات ریاست جمهوری یا مجلس یا شوراهای افزود که ریشه در همان نظام حامی‌پروری در سطح خرد دارد. از اینها جالب‌تر، داستان اتوماسیون اداری و دولت الکترونیک است که در عمل کارها هم به صورت دستی انجام می‌شود و هم گروهی برای راه‌اندازی و انحام اتوماسیون اداری، استخدام و افزوده شده‌اند.

بر این فهرست می‌توان بسیار افزود، اما چرا همه برنامه‌های کوچک‌سازی دولت و قوانین لازم‌الاجرای مرتبط هرگز اجرا نشده و نمی‌شود؟ بزرگ‌ترین دلیل، همان ضرب‌المثل مشهور است که کارد دسته خودش را نمی‌برد! مجری برنامه کوچک‌سازی دولت، خود دولت و کارمندانی هستند که در این موضوع از ذی‌نفع‌اند. آنها اگر دست به تعدیل نیرو بزنند باید با دست خود به اصطلاح

راهبرد توسعه صنعتی چه مشخصاتی باید داشته باشد؟

می‌توان به این هدف مطلوب رسید و کدام مجموعه از تصمیمات و سیاستگذاری و نهادهای در اقتصاد داخلی، چه در سطح ملی و چه در سطح بخش صنعت در هماهنگی با تحولات آینده اقتصاد جهانی، هدف‌های توسعه صنعتی را امکان‌پذیر می‌سازد؟ الزامات محیطی و شرایط عمومی کشور در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به‌عنوان زمینه‌ساز موفقیت توسعه صنعتی چیست و چگونه باید باشد؟ بدیهی است که این امر به‌خودی‌خود واقع نمی‌شود و مستلزم اقدامی نقش مؤثر توسط دولت است. لذا لازم است و باید نقش دولت در فراهم ساختن الزامات توسعه صنعتی در سطح اقتصاد ملی در بخش صنعت به‌رستری تعریف شود. مواردی همچون: جهت‌گیری در سیاست خارجی کشور، سیاست‌های اقتصاد کلان (نرخ ارز، نرخ بهره، نرخ تعرفه، بودجه سالانه، سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و…)، حقوق مالکیت و نظام قضایی عادلانه در رسیدگی به دعوی، محیط کسب‌وکار (قوانین و مقررات، مجوزها و…)، حقوق فردی و شهروندی و… به نقش و تاثیر سیاست‌های دولت بستگی دارد.

۳

ایران روزها مقارن است با آغاز به کار دولت چهاردهم. دولتی که رئیس آن «مسعود پزشکیان»، اساس و مبنای اقداماتش را اجرای مواد و تبصره‌های قانون هفتم توسعه و البته سایر قوانین و سیاست‌های مصوب نهاده است. برنامه‌ای که با دو سال تأخیر و بیش از یک سال کشمکش بین دولت، مجلس، شورای نگهبان و شوروی تشخیص مصلحت نظام به‌منابه تشکیلی از انواع و اقسام احکام و دستورات سرانجام مصوب و ابلاغ شد. برنامه‌ای که قرار است رشد ۸ درصدی در کل و ۸.۵ درصدی در صنعت و تورم ۹.۵ درصدی در سال آخر برنامه (۱۴۰۷) را محقق و سبب ثبات اقتصادی و تراز شدن صندوق‌های بازنشتستگی و تأمین اجتماعی و… شود. تحقق این اهداف در تخمین خوش‌بینانه نیازمند سالیانه ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است. این در حالی است که کل سرمایه‌گذاری جذب‌شده به کشورمان در یک دهه اخیر، حدود ۳۰ میلیارد دلار بوده و در همین مدت حدود ۱۰۰ میلیارد دلار از کشور خارج شده است.

در شرایط حاضر، نه بودجه دولت، نه منابع بانکی و نه صادرات نفت ایران، ظرفیت چندانی برای افزایش دارند. همچنان‌که با افزایش تنش‌های شدید منطقه‌ای و احتمال روی کار آمدن کاندیدای جمهوری خواهان در آمریکا، وضع بغرنج‌تر هم می‌شود. دو نهاد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نیز بر این نکات تأکید نهاده و وضعیت سختی را برای اقتصاد ایران در دو سه سال آتی پیش‌بینی کرده‌اند: رشد ۲.۵ تا ۳ درصدی و تورم بالای ۳۰ درصد. پیش‌بینی این دو نهاد مبتنی است بر «تراززی‌های ناشی از دخالت در قیمت‌گذاری اقتصادی و تداوم تحریرها و محدودیت‌های مالی و نااطمینانی‌های ژئوپلیتیک و تمرکز تجارت با شرکای محدود و اف ای تی اف و…»

افزایش رشد اقتصادی از مسیر سه بخش دیگر اقتصاد، یعنی «کشاورزی»، «صنعت» و «خدمات» هم طبق تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های داخلی و بین‌المللی مسدود است. چنان‌که در گزارش اتوماسیون اداری و دولت الکترونیک است که در عمل کارها هم به صورت دستی انجام می‌شود و هم گروهی برای راه‌اندازی و انحام اتوماسیون اداری، استخدام و افزوده شده‌اند.

بر این فهرست می‌توان بسیار افزود، اما چرا همه برنامه‌های کوچک‌سازی دولت و قوانین لازم‌الاجرای مرتبط هرگز اجرا نشده و نمی‌شود؟ بزرگ‌ترین دلیل، همان ضرب‌المثل مشهور است که کارد دسته خودش را نمی‌برد! مجری برنامه کوچک‌سازی دولت، خود دولت و کارمندانی هستند که در این موضوع از ذی‌نفع‌اند. آنها اگر دست به تعدیل نیرو بزنند باید با دست خود به اصطلاح

۴

در این میان، وزارت صمت به‌عنوان یکی از مهمترین وزارتخانه‌های اقتصادی کشور، وزارتخانه‌ای که وظیفه توسعه صنعتی و به تعبیری، «توسعه تجاری» کشور را برعهده دارد و اکتشاف، بهره‌برداری و فرآوری مهمترین ذخایر زیرزمینی کشور (بعد از نفت و گاز) در حیطه سیاستگذاری و اجرایی آن است و مهمترین و بزرگ‌ترین سازمان‌های توسعه‌ای، از سازمان گسترش و نوسازی صنایع و سازمان توسعه معادن تا شرکت شهرک‌های صنعتی و بانک صنعت و معدن و عظیم‌ترین بنگاه‌های اقتصادی کشور از ایران خودرو و سایپا تا فولاد مبارکه و ذوب آهن و… تحت مدیریت، نظارت و تأثیرپذیر از سیاستگذاری‌های آن است و با گذشت بیش از یک دهه و از تأسیس آن (۱۳۱۳/۴/۱۱) با ادغام وزارتخانه‌های «صنایع و معادن» و «هزارگانی» فاقد قانون تشکیل و شرح وظایف و مأموریت است و در طی همین یک دهه و بخصوص دو سه سال اخیر بارها تا مرز تفکیک و دو یا چند تکه شدن رفته و ساختاری به شدت ناپایدار و بی‌ثبات دارد.

تشکیل وزارت صمت براساس ایده یکپارچگی زنجیره «تولید» و «تجارت» و در چارچوب کاهش تصدیگری دولت و افزایش توان سیاستگذاری آن در قالب اقتصادی آزاد و رقابتی و صنعتی رقابت‌پذیر شکل گرفت؛ ایده و اهدافی که اما هیچ‌گاه در مسیر تحقق آنها حرکت نشد و در بر همان پاشنه ساق و چپ و بسا بدتر چرخید؛ نه واگذاری تصدی‌ها و اصلاح ساختار سازمان‌های توسعه‌ای در جهت ضرورت‌ها و تحولات فناوری‌های جدید واقع شد و نه واگذاری بنگاه‌ها و افزایش کارآمدی آنها و… بلکه حتی کار به دخالت در امور نهادهای بخش خصوصی و مهمترین آنها افاق ایران نیز کشیده شد و دخالت در انتخابات و اداره این نهاد به وظایف این وزارتخانه افزوده شد!

فرتاری که اگر به سرعت اصلاح نشود، در کنار تداوم بی‌ثباتی‌های اقتصاد کلان طی سال‌های آتی به کاهش شدید رشد بخش صنعت خواهد انجامید و رشد این بخش را به زیر ۵ درصد تنزل خواهد داد (۴،۹ و ۳،۷ درصد در امسال و سال آینده به پیش‌بینی بانک جهانی) وضعیتی که ریشه در ساختار نامناسب تولیدات صنعتی ایران دارد.

آب‌باریکه خود را قطع کنند و حتی بالاتر از آن باید از همه مزایای جانبی عمدتاً فسادآمیز دولت دست بشویند و پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را سست کنند. حکمرانی خوب، همراه با بهره‌وری و با یک نظام کارآمد ارزشیابی و مبتنی بر پرداخت هزینه خدمت و شایسته‌سالاری البته در درازمدت موجب رفاه و خوشبختی ملت و بقا و جاودانگی حکومت می‌شود، اما تا رسیدن به آن مرحله، نیاز به جراحی‌های کوچک و بزرگ در میان حامیان دارد که در شروع با خطرپذیری فراوان همراه است. ساده‌ترین راه‌حل هر مسئله، حذف صورت مسئله یا پنهان کردن آن در پست‌وهای سازمان و البته ذهن است. حتی معنادان هم می‌دانند که اعتیاد، خانمان‌سوز و ویرانگر است، اما چه کنیم که ترک اعتیاد از سخت‌ترین کارهاست.

چنان‌که سهم فناوری‌های با دانش بالا در کشورمان بسیار پایین و معادل ۰.۵ درصد کل محصولات صنعتی است. به تعبیری دیگر، طی حدود دو دهه اخیر (۱۴۰۰-۱۳۸۱) بار اصلی صنت کشور بر دوش صنایع معدن پایه بوده است؛ به طوری که بالاترین سهم ارزش افزوده (حدود ۴۵ درصد) و بالاترین سهم صادرات غیرنفتی (حدود ۷۰ درصد) مربوط به این صنایع است. وضعیت که شکافی عمیق را بین کشورمان و همسایگان ایجاد کرده است. به طوری که ایران به لحاظ رقابت‌پذیری صنعتی در جایگاه ششم منطقه بعد از ترکیه و امارات و عربستان قرار دارد. این در حالی است که طبق سند چشم‌انداز شش بود کشورمان در سال ۱۴۰۴، قدرت اول اقتصادی و فناوری منطقه باشد. در سال ۱۳۸۴، یعنی سال شروع اجرای این سند، شکاف اندازه بخش صنعت ایران و عربستان و ترکیه به ترتیب ۶۶ و ۴۴.۷ میلیارد دلار بود که در سال ۱۴۰۱ این شکاف به ترتیب به ۱۸.۵ و ۱۳۷.۴ میلیارد دلار رسید. آنچه این وضعیت ناگوار را برای صمت و بنگاه‌های صنعتی کشور رقم زده است، فقدان الگو و سیاست‌های اقتصادی و صنعتی کارآمد و علمی و در چارچوب یک استراتژی توسعه‌ای کشمکش بوده است. چنان‌که علی‌رغم گذشت بیش از شش دهه از حرکت در مسیر توسعه صنعتی اما همچنان الگوی غالب بر این توسعه و بورنگری با درونگرا بودن صنعت کشور نامشخص است.

۵

قاب‌پذیر شدن صنعت و باز شدن اقتصادی که جزو پنج اقتصاد بسته جهان است (رتبه ۱۶۰ در آزادی اقتصادی از بین ۱۶۵ کشور- موسسه فریزر-۲۰۲۳) و تحقق اهداف کمی و کیفی برنامه هفتم توسعه و سیاست‌های کلی نظام و… چنان‌که در برنامه دولت چهاردهم است نیازمند الزاماتی است که «فوکویاما» آن را چنین تبیین می‌کند: «هر نظم سیاسی بر سه نهاد استوار است: کارآمدی دولت، حاکمیت قانون و سازوکارهای پاسخگو بودن.» این الزامات فراهم نمی‌شود مگر با افاق گشایی بر بستر آزادی و فرصت‌های برابر اقتصادی، سیاسی و اجتماعی برای ظهور استعداده‌ها و خلاقیت‌ها و نه برمبنای باورهای فکری و اعتقادی و در قالبی ایدئولوژیک و درجندگی شهروندان به درجه دو و سه و تمرکز قدرت و توزیع ناعادلانه ثروت. اگر یک سوی گزار به توسعه چنان‌که «داکلاس نورث» صورت‌بندی می‌کند: «همار خضونت با قبول حدی از خلق رانت در انتقال مسلط» است، سوی دیگر آن «اعتمادی فراگیر نسبت به نهاده‌ها و ایجاد رضایت اجتماعی» برای تحمل سختی‌ها است؛ چراکه تا «درکی عام از کرامت انسانی ایجاد نکنیم، محکوم به تحمل کشمکش تاریخی هستیم.» مقصود آنکه آینده صنعت به فرآیند توسعه صنعتی به‌عنوان مرحله‌ای از توسعه اقتصادی مبتنی بر حقوق شهروندی و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی گره خورده است و بدون این منظومه فکری، حقوق انسانی و سازوکار نهادی و اجرایی، تصویر خوشایندی را نمی‌توان از این حوزه محوری توسعه کشور در قاب چشم امروزیان و آیندگان شکل داد.



با وجود کاهش نرخ بیکاری در تابستان امسال **جمعیت بیکاران دانشگاهی بیشتر شد**

اگرچه آخرین گزارش مرکز آمار ایران از بهبود شاخص‌های کلیدی بازار کار در تابستان امسال حکایت دارد، اما این بهبود شامل حال بیکاران دانشگاهی نشده است.
آنطور که مرکز آمار ایران گزارش داده است، نرخ بیکاری در تابستان ۱۴۰۳ با افت ۰٫۲ واحد درصدی همراه شده و به ۷٫۵ درصد رسیده است. همچنین نسبت اشتغال با رشد ۰٫۵ واحد درصدی در فصل تابستان به رقم ۳۸٫۵ درصد افزایش یافته است. نرخ مشارکت اقتصادی نیز با رشد ۰٫۵ واحد درصدی در تابستان نسبت به بهار امسال به ۴۱٫۷ درصد رسیده است.

با وجود بهبود شاخص‌های کلیدی بازار کار ایران و افزایش نرخ مشارکت در اقتصاد کشور اما نرخ مشارکت اقتصادی هنوز به سطح دوره پیش از همه‌گیری کرونا نرسیده است. به نظر می‌رسد این رشد ۰٫۵ واحد درصدی نرخ مشارکت در تابستان امسال بیش از هر چیز نشان‌دهنده افزایش تمایل افراد به بازگشت به بازار کار کشور است؛ یعنی آن دسته از جمعیتی که در دوران شیوع کرونا از جست‌وجوی کار منصرف شده بودند، مجددا وارد بازار کار شده‌اند. همچنین با وجودی‌که نرخ بیکاری در تابستان امسال کمتر شده و رقم ۷٫۵ درصد را نشان می‌دهد، اما این مهم در مورد جمعیت بیکاران دانشگاهی و فارغ‌التحصیلان آموزش عالی صدق نمی‌کند؛ تا جایی که سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران در تابستان ۱۴۰۳ به حدود ۴۴ درصد رسیده است که نسبت به فصل مشابه سال گذشته، رشد ۱٫۱ درصدی را نشان می‌دهد.

براساس داده‌های آسامی مرکز آمار ایران، سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران در تابستان ۱۴۰۳ حدود ۴۴ درصد بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۱٫۱ درصد افزایش پیدا کرده است. در تابستان امسال به میزان ۴۱٫۷ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند؛ یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی نیز حاکی از آن است که این نرخ نسبت به فصل مشابه سال قبل (تابستان ۱۴۰۲) حدودا ۰٫۱ درصد بیشتر شده است. جمعیت شاغلین ۱۵ ساله و بیشتر در فصل تابستان امسال به ۲۵ میلیون و ۱۲۹ هزار نفر رسیده است که نسبت به فصل مشابه سال قبل تقریبا ۴۴۴ هزار نفر افزایش داشته است. همچنین جمعیت غیرفعال از نظر اقتصادی (شامل افراد محصل، خانه‌دار، دارای درآمد بدون کار مانند بازنشستگان و …) حدود ۳۸ میلیون و ۶۶ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل تقریبا ۴۱۱ هزار نفر افزایش داشته است.

در تابستان امسال همچنین سهم جمعیت بیکار فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران حدود ۴۳٫۹ درصد بوده است. این سهم در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بالاتر بوده است. بررسی تغییرات این شاخص نشان می‌دهد که این رقم نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۱٫۱ درصد افزایش داشته است. سهم جمعیت شاغل فارغ‌التحصیل آموزش عالی از کل شاغلان نیز در تابستان امسال ۲۷٫۲ درصد بوده است. این سهم در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط شهری نسبت به نقاط روستایی بالاتر بوده است. بررسی تغییرات این شاخص نشان می‌دهد که نسبت به فصل مشابه سال قبل، ۰٫۴ درصد افزایش یافته است. بررسی نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر فارغ‌التحصیلان آموزش عالی نشان می‌دهد که ۱۱٫۶ درصد از جمعیت فعال فارغ‌التحصیل آموزش عالی بیکار بوده‌اند. این نرخ در بین زنان نسبت به مردان و در نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری بیشتر بوده است. بررسی روند تغییرات این نرخ حاکی از کاهش ۰٫۴ درصدی در تابستان ۱۴۰۳ نسبت به تابستان ۱۴۰۲ است. این تعداد در تابستان امسال حدود ۸۹۷ هزار و ۶۲۲ نفر و در تابستان سال گذشته حدود ۹۰۵ هزار و ۱۴۹ نفر بوده است.

براساس این گزارش، بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در سه سال گذشته روند کاهشی داشته و از ۹٫۲ درصد در سال ۱۴۰۰ به ۸٫۱ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است. این روند کاهشی در بهار امسال هم ادامه داشت و نرخ بیکاری افراد ۱۵ ساله و بیشتر در نخستین فصل از سال ۱۴۰۳ به ۷٫۷ درصد رسید که نسبت به فصل بهار سال گذشته به میزان ۰٫۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد. کاهش نرخ بیکاری در سه سال گذشته در شرایطی اتفاق افتاده است که در این مدت شاهد افزایش نرخ مشارکت بوده‌ایم و نرخ مشارکت از ۴۰٫۹ درصد در سال ۱۴۰۰ به حدود ۴۱٫۳ درصد در سال ۱۴۰۲ رسیده است. جمعیت شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر در بهار امسال حدودا ۲۴ میلیون و ۷۴۶ هزار نفر بوده که نسبت به فصل مشابه سال قبل بالغ بر ۴۴۰ هزار نفر افزایش داشته است. این افزایش به میزان ۴۱٫۲ درصد جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند، یعنی در گروه شاغلان یا بیکاران قرار گرفته‌اند. بررسی تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی، حاکی از آن است که این نرخ نسبت به فصل مشابه سال قبل، یعنی بهار ۱۴۰۲، تغییری نداشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در ۲۵ استان کشور در تابستان امسال تک رقمی شده است. طبق گزارش مرکز آمار ایران، میزان نرخ بیکاری در استان آذربایجان غربی ۵٫۲ درصد، در استان تهران ۵٫۳ درصد، خراسان رضوی ۵٫۱ درصد، مرکزی ۴٫۳ درصد، همدان ۵٫۵ درصد، قزوین ۵٫۹ درصد، ایلام ۶٫۴ درصد، خراسان جنوبی ۶٫۱ درصد، مسکن ۶٫۲ درصد، آذربایجان شرقی ۷٫۵ درصد، بوشهر ۷٫۹ درصد، خوزستان ۱۳٫۱ درصد، اردبیل ۱۰٫۶ درصد، اصفهان ۹٫۲ درصد، البرز ۹٫۰ درصد، چهارمحال و بختیاری ۹٫۴ درصد، خراسان شمالی ۶٫۸ درصد، خوزستان ۱۳٫۱ درصد، زنجان ۶٫۵ درصد، سیستان و بلوچستان ۱۴ درصد، فارس ۶٫۷ درصد، قم ۱۰٫۹ درصد، کردستان ۷٫۶ درصد، کرمان ۸٫۲ درصد، کرمانشاه ۱۲٫۶ درصد، کهگیلویه و بویراحمد ۹٫۰ درصد، گلستان ۷٫۹ درصد، گیلان ۸٫۴ درصد، لرستان ۱۰٫۵ درصد، مازندران ۵٫۱ درصد، هرمزگان ۸٫۷ درصد و یزد ۶٫۳ درصد بوده است. کمترین نرخ بیکاری برای استان مرکزی با ۴٫۳ درصد و بیشترین نرخ بیکاری برای سیستان و بلوچستان با ۱۴ درصد به ثبت رسیده است.

در این میان، گزارش صندوق بین‌المللی پول در مورد وضعیت بیکاری در ۹۹ کشور جهان نشان می‌دهد که ۱۱ کشور در سال ۲۰۲۴ میلادی، نرخ بیکاری دورقمی دارند که بالاترین نرخ بیکاری با ۴۹٫۵ درصد مربوط به سودان است. سودان جنوبی با ۳۳٫۵ درصد و گرجستان با ۱۵٫۷ درصد در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند. رتبه چهارم متعلق به اوکراین با نرخ بیکاری ۱۴٫۱ درصد است. یکی از شاخص‌ترین کشورهای اروپایی از میان ۱۰ کشور نخست جهان از نظر نرخ بیکاری متعلق به اسپانیا با ۱۱٫۶ درصد است که این کشور را در رتبه نهم قرار داده است. مقدونیه شمالی با نرخ بیکاری ۱۴٫۱ درصدی، یوسنی و هرزگوین با نرخ بیکاری ۱۳٫۳ درصدی و البانی با نرخ بیکاری ۱۱ درصدی، سه کشور اروپایی دیگری هستند که به ترتیب در رتبه‌های پنجم، ششم و دهم جهان از نظر بیکاری قرار گرفته‌اند. ارمنستان با نرخ بیکاری ۱۳ درصدی رتبه هفتم و مراکش با بیکاری ۱۲ درصدی رتبه هشتم را تصاحب کرده‌اند.
آمار صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد که ایران با نرخ بیکاری ۸٫۹ درصدی در جایگاه ۱۷ جهان قرار گرفته و از شش کشور اروپایی نیز پایین‌تر است. بر همین اساس، بیکاری ایران در سال ۲۰۲۴ از ۱۶ کشور جهان کمتر بوده که شش کشور، اروپایی بوده‌اند.
مقدونیه شمالی، یوسنی و هرزگوین، اسپانیا، البانی، صربستان و یونان، این شش کشور اروپایی هستند که نرخ بیکاری بیشتری از ایران دارند. صربستان و یونان، نرخ بیکاری ۹٫۴ درصدی در این سال داشته‌اند. ترکیه با نرخ بیکاری ۹٫۶ درصدی بالاتر از ایران و در رتبه ۱۳ رده‌بندی جهانی از نظر نرخ بیکاری قرار گرفته است.
صنوده، ایتالیا، فرانسه و فنلاند نیز برخلاف تصویری که از وضعیت اقتصادی اروپای غربی وجود دارد، نرخ بیکاری نزدیک به ایران در سال ۲۰۲۴ داشته‌اند. صندوق بین‌المللی پول، نرخ بیکاری سوئد در سال جاری میلادی را ۸٫۴ درصد، ایتالیا ۷٫۸ درصد، فنلاند ۷٫۶ درصد و فرانسه ۷٫۴ درصد اعلام کرده است. نرخ بیکاری در آمریکا نیز ۴ درصد و در انگلیس ۴٫۲ درصد بوده است.

امور مالی غیرمتمرکز یا دیفای چیست و با چه چالش‌هایی روبه‌رو است؟

آینده خدمات مالی غیر متمرکز



متعددی در مسیر توسعه آن وجود دارد. بنابراین امروزه دیفای اغلب شاهد فعالیت‌های سفته‌بازان در خریدوفروش رمزارایی‌های مختلف بوده و همچنان دیفای جایگاه خود را به‌عنوان ارائه‌دهنده خدمات مالی نیافته است. در حال حاضر، اصلی‌ترین انگیزه برای مشارکت، انتفاع از افزایش یا کاهش (قرارداد فروش تعهدی) قیمت دارایی‌های دیجیتال موجود در این بستری یا بهره‌مندی از بسته‌های تشویقی مختلف است. به نظر می‌رسد تا زمانی که راهکاری برای مدیریت نوسانات شدید موجود در بازار دارایی‌های دیجیتال یافت نشود، این مشکل پارچا باشد. به علاوه، وجود ابهام در چگونگی حکمرانی غیرمتمرکز، مانعی در برابر تمرکززدایی حداکثری بوده است و همچنان راه‌حل‌های مطمئنی برای جلوگیری از گسترش باگ‌های نرم‌افزاری و حملات هکری وجود ندارد. در همین حال، همچنان معمای کارایی و مقیاس‌پذیری در زیست‌بوم دیفای به پاسخ مطمئن و گسترده‌ای دست نیافته است و بسیاری از برنامه‌های دیفای با هزینه‌ها و کارمزدهای بالا دست و پنجه نرم می‌کنند.

ضرورت بررسی حاکمیت بر دیفای

مرکز پژوهش‌ها در ادامه گزارش خود به پیشنهادهایی درخصوص برطرف کردن چالش‌های امور مالی غیرمتمرکز پرداخته است و ادامه می‌دهد: با توجه به روند رو به رشد رواج رمزارایی‌ها و خدمات مبتنی بر دفتراتر کل توزیع شده و تاثیر و تاثر آن بر بازارهای مالی متعارف، لزوم بررسی این بستری نوآورانه مالی از سوی حاکمیت واضح است. در وهله اول، نیاز است تا سیاستگذاران با بررسی ظرفیت‌های بستری‌های نوآورانه‌ای همچون دیفای، سناریوهای محتمل شکل‌گیری نظام مالی در آینده را بررسی کنند تا علاوه بر ایجاد آمدادی کافی برای مواجهه با این سناریوها، از ظرفیت‌های فناورانه در جهت اصلاح نظام مالی کشور بهره ببرند. همچنین در وهله دوم، لازم است تا تدابیر لازم برای بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود دیفای در داخل کشور اتخاذ شود. دستپاچی به اهدافی همچون حفاظت از مصرف‌کننده، حفظ ثبات مالی و حاکمیت پولی، جلوگیری از جرایم مالی و… مستلزم اهتمام سیاستگذاران به این حوزه در سطوح مختلف تقنینی، نظارتی و اجرایی است. در سطح تقنین، تعیین تکلیف قواعد حقوقی متناسب با اقتضات دیفای به‌ویژه حقوق مالکیت در قوانین موجود یا وضع قوانین جدید متناسب با آن ضروری جلوه می‌کند. در سطح نظارت، پایش و کنترل تبلیغات، ارائه آموزش و آگاهی درخصوص انواع ریسک‌ها و توسعه زیرساخت‌های فنی رسد و پایش دفاتر کل توزیع‌شده با هدف محافظت از مصرف‌کننده اهمیت دارد. در سطح اجرا نیز باید با ایجاد زیرساخت‌های لازم، امکان تحقیق و توسعه سبک‌سازهای این حوزه را در بستری محیط‌های آزمایش ایجاد کنیم و با همکاری علمی با دیگر کشورها به دنبال ایجاد چارچوب تنظیم‌گری بهینه‌ای برای فعالیت‌های این زیست‌بوم باشیم.

کل توزیع‌شده برای محافظت از مصرف‌کنندگان و ایجاد زیرساخت‌های لازم برای تحقیق و توسعه سبک‌سازکارهای دیفای در محیط‌های آزمایشی اتخاذ کنند.

همانطور که اشاره شد، امور مالی غیرمتمرکز به مجموعه‌ای از محصولات مالی غیرمتمرکز (با درجه‌های مختلف عدم تمرکز) با استفاده از فناوری قراردادهای هوشمند و در بستر بلاک‌چین گفته می‌شود. هرچند امور مالی غیرمتمرکز و مالی متعارف هر دو به ارائه خدمات مالی می‌پردازند، اما ایده محوری نظام مالی متعارف بر «افزایش کارایی با هدف تسهیل تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه» و «کاهش ریسک‌های مالی» بنا شده است و امور مالی غیرمتمرکز، «افزایش دسترسی مالی»، «شفافیت» و «گسترش دموکراسی در ارائه خدمات» را دنبال می‌کند. امور مالی غیرمتمرکز یا دیفای (Decentralized finance)، بستری نوآورانه مبتنی بر فناوری دفترکل توزیع شده (Distributed ledger technology) است که برخی خدمات مالی مانند پرداخت، تامین مالی، پوشش ریسک، مدیریت دارایی و… را به شیوه‌ای متمایز از نظام مالی فعلی ارائه می‌کند. با استفاده از قراردادهای هوشمند، افراد در بستر دیفای می‌توانند به‌صورت مستقیم با یکدیگر روابط مالی برقرار کنند؛ به‌عنوان نمونه، یکی از خدماتی که در دیفای ارائه می‌شود، امکان وام‌دهی غیرمتمرکز است که در آن افراد بدون نیاز به واسطه‌های مرکزی مانند بانک‌ها، دارایی‌های دیجیتالی خود را به دیگران قرض می‌دهند. امور مالی غیرمتمرکز تفاوت‌های ذاتی، کارکردی و عملیاتی با نظام مالی متعارف دارد که از جمله آنها می‌توان به عدم نیاز به احراز هویت، عدم اتکا به واسطه‌گری و همچنین شفافیت در فرآیندها و مبادلات اشاره کرد.

روند رو به رشد دیفای ادامه دارد

این بستر در سال‌های گذشته، رشد بسیار سریعی را تجربه کرده است؛ به‌گونه‌ای که ارزش دارایی‌های این بازار از حدود یک میلیارد دلار در ابتدای سال ۲۰۱۹ به بیش از ۱۷۰ میلیارد دلار تا انتهای سال ۲۰۲۱ افزایش یافت. با این حال، با آغاز موج ریزشی در بازار رمزارهایی و همچنین سقوط رمزارایی پایدار الگوریتمی ترا، حجم این منابع به ۳۰ میلیارد دلار در انتهای سال ۲۰۲۲ و سپس در یک روند صعودی در ماه مه ۲۰۲۴ به حدود ۱۰۵ میلیارد دلار رسید. امروزه زیست بوم دیفای در مراحل اولیه رشد قرار دارد و با وجود رشد پرسرعتی که در سال‌های اخیر داشته است، همچنان با چالش‌های متعددی همچون فقدان حفاظت از مصرف‌کننده، تهدیدات امنیتی، ناطمینانی از مصرف‌کننده، تهدیدات امنیتی، مسائل مقیاس‌پذیری، ناطمینانی از وضعیت تنظیم‌گری، پایداري بلندمدت، تهدیدات کلاهبرداری، تهدید تمرکز در بلتفرم‌ها و دارندگان دارایی‌های آن و… مواجه است.

براساس گزارش مرکز پژوهش‌ها، با وجود ظرفیت بالای موجود در توسعه خدمات مالی غیرمتمرکز و با وجود رشد و توسعه سریع، زیست بوم دیفای همچنان در مراحل اولیه رشد خود قرار داشته و چالش‌های

فرصت امروز: امور مالی غیرمتمرکز یا دیفای، بستری نوآورانه مبتنی بر فناوری دفترکل توزیع شده است که برخی خدمات مالی مانند پرداخت، تأمین مالی، پوشش ریسک، مدیریت دارایی و… را به شیوه‌ای متمایز با نظام مالی فعلی ارائه می‌کند. با استفاده از قراردادهای هوشمند، افراد در بستر دیفای می‌توانند به صورت مستقیم با یکدیگر روابط مالی برقرار کنند؛ به عنوان مثال، یکی از خدماتی که در دیفای ارائه می‌شود، امکان وام‌دهی غیرمتمرکز است که در آن افراد بدون نیاز به واسطه‌های مرکزی مانند بانک‌ها، دارایی‌های دیجیتالی خود را به دیگران قرض می‌دهند. امور مالی غیرمتمرکز، تفاوت‌های کارکردی و عملیاتی با نظام مالی متعارف دارد که از جمله آن می‌توان به عدم نیاز به احراز هویت، عدم اتکا به واسطه‌گری و شفافیت در فرآیندها و مبادلات اشاره کرد. این بستر در سال‌های اخیر، رشد بسیار پرسرعتی را تجربه کرده است؛ تا جایی که ارزش دارایی‌های این بازار از حدود یک میلیارد دلار در ابتدای سال ۲۰۱۹ به بیش از ۱۷۰ میلیارد دلار در انتهای سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. البته با آغاز موج ریزشی در بازار رمزارهایی‌ها و همچنین سقوط رمزارایی پایدار الگوریتمی ترا، حجم این منابع به ۳۰ میلیارد در انتهای سال ۲۰۲۲ و سپس در یک روند صعودی در ماه مه ۲۰۲۴ به حدود ۱۰۵ میلیارد دلار رسید.

امروزه زیست بوم دیفای در مراحل اولیه رشد خود قرار دارد و با وجود رشد پرسرعتی که در سال‌های اخیر داشته است، همچنان با چالش‌های متعددی همچون فقدان حفاظت از مصرف‌کننده، تهدیدات امنیتی، مسائل مقیاس‌پذیری، ناطمینانی از وضعیت تنظیم‌گری، پایداري بلندمدت، تهدیدات کلاهبرداری، تهدید تمرکز در بلتفرم‌ها و دارندگان دارایی‌های آن و… مواجه است. در حال حاضر، اصلی‌ترین انگیزه برای مشارکت، انتفاع از افزایش یا کاهش (قرارداد فروش تعهدی) قیمت دارایی‌های دیجیتال موجود در این بستر و بهره‌مندی از فرصت‌های سودآوری است.

سیاست‌گذاری امور مالی غیر متمرکز

بازوی کارشناسی مجلس در گزارش تازه خود به آسیب‌شناسی امور مالی غیرمتمرکز (دیفای) پرداخته و چالش‌های زیست بوم دیفای را بررسی کرده است. طبق ارزیابی مرکز پژوهش‌ها، امور مالی غیرمتمرکز به مجموعه‌ای از محصولات مالی مبتنی بر فناوری قراردادهای هوشمند و در بستر بلاک‌چین گفته می‌شود که دسترسی مالی، شفافیت و دموکراسی در ارائه خدمات را افزایش می‌دهد. بر خلاف نظام مالی سنتی که به کارایی و کاهش ریسک متمرکز است، دیفای واسطه‌های مالی را حذف و امکان تعامل مستقیم کاربران را فراهم می‌کند. این زیست‌بوم در سال‌های اخیر به سرعت رشد کرده، اما همچنان با چالش‌هایی همچون عدم حفاظت از مصرف‌کننده، مسائل امنیتی، تنظیم‌گری و هزینه‌های بالا روبه‌روست. از مصرف‌کننده، تهدیدات امنیتی، مسائل مقیاس‌پذیری، ناطمینانی از سیاستگذاران باید برای بهره‌برداری از این فناوری نوآورانه و مقابله با ریسک‌ها، تدابیر لازم از جمله کنترل و پایش تبلیغات و ارائه آموزش درباره ریسک‌های دیفای، توسعه زیرساخت‌های فنی برای رصد و پایش دفاتر

نگاهی به تورم ماهانه دهک‌های درآمدی در نیمه ۲۰۲۳

سایه تورم مسکن سنگین تر شد

و خدمات در محاسبه تورم کل کشور حدود ۷۰ درصد است. مسکن سهم بسزایی در سبب مصرفی غیرخوراکی‌ها دارد و به تنهایی بیش از یک سوم تورم کشور متأثر از تغییرات قیمت مسکن و اجاره است. در میان دهک‌های درآمدی، بیشترین ضریب اهمیت کالاهای غیرخوراکی و خدمات برای دهک دهم درآمدی است؛ نزدیک به ۷۸ درصد تورم دهک دهم متأثر از اقلام غیرخوراکی تعیین می‌شود. با این وجود، سهم مسکن به عنوان یک کالای غیرخوراکی در سبب دهک اول، بالاتر از دهک دهم است. به طوری که اهمیت مسکن در تورم دهک اول، ۳۶ درصد و در تورم دهک دهم، نزدیک به ۳۳ درصد است. بنابراین از آنجا که مسکن حدود یک واحد درصد در تورم دهک اول نقش داشته است و سهم آن در تورم دهک دهم ۰٫۹ واحد درصد بوده، به همین علت دهک اول تورم ماهانه بالاتری در ماه گذشته در مقایسه با دهک دهم تجربه کرده است. به طوری که تورم ماهانه دهک اول ۱٫۸۷ درصد و تورم ماهانه دهک دهم ۱٫۶۳ درصد بوده است.

براساس این گزارش، داده‌های آماری همچنین نشان می‌دهد که در مردادماه ۱۴۰۳، دهک دهم بالاترین و دهک اول پایین‌ترین تورم سالانه را در این ماه تجربه کرده‌اند. براساس داده‌های آماری مرکز آمار ایران از شاخص قیمت مصرف‌کننده، تورم سالانه کل کشور در مردادماه امسال برابر با ۳۴٫۸ درصد برآورد شده است. با این حال، مقدار تورم در دهک‌های هزینه‌ای متفاوت است. در واقع، هرچه از دهک اول درآمدی به سمت دهک‌های بالاتر حرکت کنیم، تورم افزایش پیدا می‌کند. بر این اساس، تورم دهک دهم بالاترین و دهک اول پایین‌ترین در مردادماه امسال به ثبت رسیده است. دلیل این امر را می‌توان در تورم اقلام خوراکی، غیرخوراکی و خدمات جست‌وج کرد. در ماه‌های اخیر معمولاً تورم خوراکی‌ها کمتر

اخبار

۴۷ درصد درآمد در جیب ۲۰ درصد از جمعیت کشور

شکاف درآمدی بیشتر شد

براساس گزارش مرکز آمار ایران، ضریب جینی کشور در سال گذشته با ۰۰۱۰۲ افزایش به ۰.۳۹۷۹ رسیده و ۴۷.۵ درصد از توزیع درآمدها به دو دهک بالا (۲۰ درصد جمعیت) رسیده‌ است. ضریب جینی، یکی از مهمترین شاخص‌های سنجش نابرابری درآمد در جامعه‌ است. ضریب جینی عددی است بین صفر و یک که در آن صفر به معنای توزیع کاملاً برابر درآمد یا ثروت و یک به معنای نابرابری مطلق در توزیع درآمدها است. مرکز آمار ایران طی گزارشی، ضریب جینی خانوارهای ایرانی در سال ۱۴۰۲ را منتشر کرد که براساس آن، این ضریب برای خانوارهای کل کشور ۰.۳۹۷۹ است که در مقایسه با سال قبل، ۰۰۱۰۲ افزایش نشان می‌دهد. همچنین ضریب جینی خانوارهای شهری و روستایی کل کشور به ترتیب ۰.۳۸۲ و ۰.۳۵۸۲ است که نسبت به سال قبل به ترتیب ۰۰۱۲۴ افزایش و ۰۰۰۰۶ کاهش نشان می‌دهد.

براساس این گزارش، سهم ۲۰ درصد کم هزینه‌ترین و پرهزینه‌ترین جمعیت به ترتیب ۵.۹۵ و ۴۷.۵۰ درصد و نسبت ده، بیست و چهل درصد پرهزینه‌ترین به ده، بیست و چهل درصد کم هزینه‌ترین جمعیت در کل کشور به ترتیب ۷.۹۹ و ۴.۲۰ است. به عبارت دیگر، ۲۰ درصد از جمعیت با پایین‌ترین درآمدی جامعه (دو دهک کف درآمدی) تنها ۵.۹ درصد از درآمدهای کشور را در اختیار داشته و در طرف دیگر ۲۰ درصد جمعیتی بالاترین درآمدی جامعه (دو دهک سقف درآمدی) به تنهایی ۴۷.۵ درصد از درآمدهای جامعه را به خود اختصاص داده‌اند. در حوزه توزیع درآمد شاخص‌های دیگری همچون شاخص تیل، اتکینسون و پالما نیز برای تبیین بهتر وضعیت پردرآمدها و کم‌درآمدها وجود دارد که شاخص پالما به ۱.۹۵ و شاخص تیل به ۰.۲۷۲۳ رسیده است. همچنین شاخص اتکینسون ۰.۲۳۴۹ است.

سهم ۲۰ درصد کم‌هزینه‌ترین و پرهزینه‌ترین جمعیت در مناطق شهری به ترتیب ۶۶۰ و ۴۶.۵۴ درصد است و نسبت ده، بیست و چهل درصد پرهزینه‌ترین به ده، بیست و چهل درصد کم هزینه‌ترین جمعیت به ترتیب ۱۱۸۸، ۷۰۰۵ و ۳۸۸ است. همچنین در مناطق روستایی کشور، سهم ۲۰ درصد کم هزینه‌ترین و پرهزینه‌ترین جمعیت به ترتیب ۶۸۵ و ۴۳۸۲ درصد است و نسبت ده، بیست و چهل درصد پرهزینه‌ترین به ده، بیست و چهل درصد کم‌هزینه‌ترین جمعیت در مناطق روستایی به ترتیب ۱۰۰۲۶، ۶۴۰ و ۳۶۵ است. همچنین، شاخص پالما ۱.۵۶ و شاخص تیل ۰.۲۱۴۲ است. همچنین شاخص اتکینسون ۰.۱۹۱۹ است.

اما شکاف درآمدی در کدام استان‌ها کمتر و بیشتر است؟ نگاهی به گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که در سال ۱۴۰۲ در مناطق شهری کمترین ضریب جینی در استان کرمان (۰.۲۶۲۵) و بالاترین ضریب جینی در استان سیستان و بلوچستان (۰.۴۱۹۸) محاسبه شده است.

همچنین در مناطق روستایی کمترین ضریب جینی مربوط به استان کرمان (۰.۲۴۱۳) و بیشترین ضریب جینی مربوط به استان همدان (۰.۳۹۴۸) است.

چین همچنان بزرگ‌ترین شریک صادراتی ایران

تجارت غیر نفتی از ۵۸ میلیارد دلار گذشت

براساس آمار گمرک ایران، در از ابتدای سال جاری تا پایان شهریورماه، تجارت خارجی کشور به استثنای نفت خام نفت کوره، نفت سفید و بدون احتساب صادرات از محل تجارت چمدانی به ۵۸.۳ میلیارد دلار رسید. گمرک ایران در گزارشی آمار و اطلاعات تجارت خارجی کشور در نیمه نخست اسمال را منتشر کرده که براساس آن میزان صادرات قطعی کالاهای غیرنفتی کشور (به استثنای نفت خام نفت کوره و نفت سفید و همچنین بدون صادرات از محل تجارت چمدانی) بالغ بر ۷۰ هزار و ۳۴۲ هزار تن و به ارزش ۲۵ هزار و ۷۵۸ میلیون دلار (۲۵.۷ میلیارد دلار) بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل افزایشی ۳.۴۵ درصدی در وزن و ۶.۴۸ درصدی در ارزش دلاری داشته است. همچنین میزان واردات کشور در این مدت با افزایشی ۲.۸ درصدی در وزن و ۶.۵ درصدی در ارزش دلاری در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته به رقم ۱۸ هزار و ۲۶۹ هزار تن به ارزش ۲۲ هزار و ۵۷۳ میلیارد دلار (۳۲.۵ میلیارد دلار) رسیده است. بر این اساس میزان تجارت خارجی کشور (اعم از واردات و صادرات) در نیمه نخست سال جاری از مرز ۸۸ میلیون و ۶۱۱ هزار تن عبور کرد که ارزشی برابر با ۵۸ میلیارد و ۳۳۱ میلیون دلار دارد.

طی شش ماهه نخست سال ۱۴۰۳، بیشترین میزان صادرات کشور به مقصد کشورهای چین، با رقمی بالغ بر ۷.۱۶ میلیارد دلار و سهم ۲۷.۸ درصدی از کل ارزش صادرات، عراق با ۵.۲۱ میلیارد دلار و سهم ۲۰.۲ درصدی، امارات متحده عربی با ۳.۴۴ میلیارد دلار و سهم ۱۳.۲ درصدی، ترکیه با ۲.۳۹ میلیارد دلار و سهم ۹.۲ درصدی و افغانستان با ۱.۰۷ میلیارد دلار و سهم ۴.۱ درصدی از کل ارزش صادرات صورت گرفته است.

در نیمه نخست اسمال، امارات متحده عربی با اختصاص رقمی بالغ بر ۹.۹۸ میلیارد دلار و سهمی در حدود ۳۰.۶۵ درصد از کل ارزش واردات در جایگاه نخست کشورهای طرف معامله واردات به کشور قرار گرفته است. همچنین کشورهای چین با ۸.۴۶ میلیارد دلار و سهم ۲۵.۹ درصدی، ترکیه با ۵.۱ میلیارد دلار و سهم ۱۵.۷ درصدی، آلمان با ۱.۲ میلیارد دلار و سهم ۳.۷ درصدی، روسیه با ۱.۷۷ میلیارد دلار و سهم ۲.۴۵ درصدی جزو کشورهای عمده طرف معامله واردات به کشور بوده‌اند. گفتنی است؛ طی شش ماهه نخست سال، ۱۴۰۳ میزان ترانزیت خارجی کشور به ۱۱ هزار و ۵۱۶ هزار تن بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۹.۴۲ درصد رشد داشته است.

معرفی استان‌های برتر در مبادلات تجاری

بوشهر صدرنشین صادرات شد

براساس گزارش گمرک ایران، سه استان هرمزگان، تهران و خوزستان در جایگاه اول تا سوم مبادلات تجاری در شش ماهه نخست اسمال قرار گرفته‌اند. گمرک ایران اخیراً گزارشی از مبادلات تجارت خارجی به تفکیک استان‌ها منتشر کرده که براساس آن، در بین ۳۱ استان کشور، در شش ماهه نخست اسمال بیشترین میزان مبادلات تجاری به لحاظ حجم و ارزش مربوط به استان هرمزگان با ۲۴.۸ میلیون تن به ارزش ۱۵.۳ میلیارد دلار بوده است. گمرکات استان هرمزگان در مجموع ۲۸ درصد از وزن و ۲۶.۳ درصد از ارزش کل مبادلات کشور را در این مدت به خود اختصاص داد. استان تهران با ۷.۷۵ هزار تن و به ارزش ۹.۲ میلیارد دلار و استان خوزستان با ۱۸.۱ میلیون تن و به ارزش ۷.۶ میلیارد دلار از نظر ارزش کل مبادلات تجاری کشور در شش ماهه سال جاری در بین گمرکات استان کشور در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفتند.

خصوص استان‌هایی که در شش ماهه ۱۴۰۳ دارای بیشترین سهم از کل ارزش صادرات را به خود اختصاص دادند، استان بوشهر با ۱.۵۶ میلیون تن به ارزش ۵.۸ میلیارد دلار، استان هرمزگان با ۲۰.۸ میلیون تن و ۵.۵ میلیارد دلار، استان خوزستان ۱۰.۵ میلیون تن و به ارزش ۳.۴ میلیارد دلار، سه استان کشور بودند که به ترتیب بیشترین سهم از کل ارزش صادرات را به خود اختصاص دادند. استان‌های هرمزگان، تهران و خوزستان در شش ماه سال جاری سه استانی بودند که در بین استان‌های کشور بیشترین سهم از کل ارزش واردات را به خود اختصاص دادند. همچنین در این مدت از گمرکات استان هرمزگان ۳.۹ میلیون تن به ارزش ۹.۹ میلیارد دلار، تهران ۲.۹۶ هزار تن و به ارزش ۸.۳ میلیارد دلار و خوزستان ۷.۶ میلیون تن به ارزش ۴.۲ میلیارد دلار کالا وارد کشور شد است.

براساس آمارها، استان‌های بوشهر، کرمانشاه و آذربایجان غربی در جایگاه‌های چهارم تا ششم مجموع کل مبادلات تجاری در نیمه اول اسمال قرار گرفته و سایر گمرکات استان‌های کشور در مجموع ۱۵ میلیارد دلار مبادلات تجاری داشته‌اند. گفتنی است؛ طی شش ماهه نخست اسمال، میزان ترانزیت خارجی کشور با وزن ۱۱ هزار و ۵۱۵ هزار تن بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۴۹.۴ درصد افزایش داشته است.

رتبه ۱۱۲ ایران در هزینه‌کرد آموزش



این نوسانات نشان از فقدان برنامه‌ای مشخص در توسعه سرمایه انسانی باکیفیت و اهمیت پایین آموزش و پرورش در کشور دارد. براساس آمارها تا پیش از سال ۱۳۹۹، رشد منابع عمومی دولت و بودجه آموزش و پرورش در خلاف جهت یکدیگر بوده است. به عبارت دیگر، زمانی که رشد منابع عمومی دولت افزایشی بوده، رشد بودجه آموزش و پرورش کاهش داشته، از همین‌رو سهم این بخش از کل منابع عمومی نزولی شده است. در سال‌هایی که عکس این امر اتفاق افتاده، سهم آموزش و پرورش از منابع عمومی افزایش یافته است. این یعنی وقتی جیب دولت پر پول‌تر شده، توجهش به بودجه آموزش کاهش یافته است.

براساس مبنایی علم اقتصاد، موتور رشد اقتصادی هر کشوری، سرمایه‌گذاری است. اصلی‌ترین عامل رشد اقتصادی کشورها، سرمایه‌گذاری در فناوری و نیروی انسانی است. هدف اصلی از این امر، بهره‌وری بالاتر نیروی کار است که منجر به تولید بیشتر و رشد اقتصادی می‌شود. راه تحقق بهره‌وری بالاتر نیروی کار و سرمایه انسانی با کیفیت، سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش است. همچنین باید گفت که اثرگذاری سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش یک روند بلندمدت است و نتیجه بخشی آن نیاز به زمان دارد.

از نزول دهه ۸۰ تا صعود دهه ۹۰

شاخص‌های متعددی جهت تحلیل نقش دولت در زمینه توسعه آموزش و پرورش وجود دارد. آموزش و پرورش از نظر بسیاری از اقتصاددانان یک کالای عمومی است و تأمین این کالا برای تمام اقشار جامعه نیاز به مداخله دولت دارد. بنابراین یکی از ابزارهایی که می‌توان در جهت بررسی میزان اثرگذاری دولت بر بخش آموزش و پرورش به کار برد، شاخص سهم بودجه آموزش و پرورش از کل منابع عمومی دولت است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس حاکی از آن است که از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۰، سهم بودجه آموزش و پرورش از منابع عمومی دولت به شدت کاهش یافته است. به طوری که در این مدت این شاخص از ۱۱.۵ درصد در سال ۱۳۸۸ به ۷.۳ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. این درحالی است که براساس آمارها در این مدت منابع عمومی دولت از ناحیه فروش نفت رونق و رشد داشته است. با این وجود به نظر می‌رسد از این درآمدها در جهت توسعه آموزش و پرورش استفاده نشده و رشد بودجه این بخش نزولی بوده است. سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش تا رسیدن به اهداف مورد نظر یک فرآیند بلندمدت است. به عبارت دیگر، از زمان سرمایه‌گذاری تا حصول نتیجه مدتی زمان لازم است. در واقع، کاهش این شاخص در اواخر دهه ۱۳۸۰ در سال‌های بعدتر تأثیر خود را نشان داده و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آورده است.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ۳ درصد از تولید ناخالص داخلی ایران (GDP) خرج آموزش و پرورش می‌شود که کشورمان را در رتبه ۱۱۲ جهان قرار می‌دهد. سهم بودجه آموزش و پرورش از کل منابع عمومی دولت در سال‌های گذشته کاهش یافته و کاهش این شاخص می‌تواند نشان‌دهنده مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در آینده نزدیک باشد. سهم بودجه آموزش و پرورش از کل منابع عمومی دولت در فاصله سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۳ تقریباً تغییری نداشته و از ۱۱.۵ درصد به ۱۱.۳ درصد رسیده است. در واقع، روند سهم بودجه آموزش و پرورش از کل منابع عمومی دولت در این سال‌ها به شدت نوسان داشته و این نوسان از فقدان برنامه مشخص در توسعه سرمایه انسانی باکیفیت و اهمیت پایین آموزش و پرورش در کشور حکایت دارد. براساس آمارها تا پیش از سال ۱۳۹۹، رشد منابع عمومی دولت و بودجه آموزش و پرورش در خلاف جهت یکدیگر بوده است؛ یعنی زمانی که رشد منابع عمومی دولت افزایشی بوده، رشد بودجه آموزش و پرورش کاهش داشته و از همین‌رو، سهم این بخش از کل منابع عمومی نزولی شده است. در سال‌هایی که عکس این امر اتفاق افتاده، سهم آموزش و پرورش از منابع عمومی افزایش یافته است. این یعنی وقتی جیب دولت پر پول‌تر شده، توجهش به بودجه آموزش کاهش یافته است.

این سهم ۳.۲ درصدی آموزش‌وپرورش از تولید ناخالص داخلی، ایران را در رتبه ۱۱۲ جهان قرار می‌دهد. کوبا با ۱۱.۵ درصد در رتبه اول جهان قرار دارد. همچنین الجزایر با ۶.۳ درصد در رتبه ۱۰، برزیل با ۵.۸ درصد در رتبه ۲۰، آمریکا با ۵.۴ درصد در رتبه ۲۴، انگلیس با ۵.۳ درصد در رتبه ۳۶ و فرانسه با ۵.۲ درصد در رتبه ۴۰ ایستاده است. ترکیه با ۲.۸ درصد و جمهوری آذربایجان با ۲.۹ درصد به ترتیب در رتبه‌های ۱۳۰ و ۱۲۶ و پایین‌تر از ایران قرار دارند و بحرین و لبنان نیز با رتبه‌های ۱۵۲ و ۱۵۹ پایین‌تر از کشورمان قرار دارند.

سهم آموزش و پرورش از منابع عمومی

بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال‌های گذشته سهم بودجه آموزش و پرورش از کل منابع عمومی دولت کاهش یافته است. کاهش این شاخص می‌تواند خیر از مشکلات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در آینده نزدیک باشد. به گزارش «کوایران»، روند سهم بودجه آموزش و پرورش از کل منابع عمومی دولت در حداقل‌سال ۱۳۸۸ تا سال جاری تقریباً تغییری نداشته و از ۱۱.۵ درصد به ۱۱.۳ درصد رسیده است. داده‌ها نشان می‌دهد روند سهم بودجه آموزش و پرورش از کل منابع عمومی دولت به شدت نوسان داشته، به طوری که در یک سال سهم این بودجه از کل منابع عمومی دولت ۷.۳ درصد و در سالی دیگر معادل ۱۳.۴ درصد بوده است. از نگاه خیلی از معامله‌گران، نااطمینانی‌های سیاسی موجب شده که سرمایه‌گذاران تغییر رفتار بدهند. در بازار ارز و سکه هیجان باعث شده نوسان قیمتی بیشتر شود. در بازار دلار هم گرچه نوسان وجود دارد اما سرعت نوسان کمتر است که بخشی از دلیل آن می‌تواند مداخله بازارساز در بازار دلار باشد. یکسری از معامله‌گران اعتقاد دارند اگر مدیریت نوسان هدف بازارساز است باید بازار ارز و سکه را به صورت دو قلوهای توأمان ببیند. خیلی از پیشکسوت‌ها می‌گویند اگر عدم قطعیت‌ها تعدیل شود یا حتی بازار با آن مواجه شود ممکن است شدت نوسان کم شود چون الان بازار از اطلاعات نامتوازن رنج می‌برد، به همین خاطر دچار نوسان شده است. یکسری‌ها می‌گویند تصویر حاکم در فضای بازارها را می‌شود در بازار سرمایه دید. در بازار سرمایه آنچه‌ای که به سهام برمی‌گردد وضعیت غالبی فرمز است و خروج پول دارم و جایی که به صندوق‌های کالایی مثل طلا برمی‌گردد، وضعیت سبز است و ورود پول و رکورد جابه‌جایی سرمایه

معاملات طلا پربیسک می‌شود؟

پیشتازی سکه در بازار طلا

داریم. در روز یکشنبه ورود پول و ارزش معاملات صندوق‌های طلا، رکورد جدیدی زد و ورود پول به این صندوق‌ها به ۶۰۷ میلیارد تومان رسید تا ارزش معاملات صندوق‌های طلا در روز یکشنبه تقریباً سه برابر ارزش بازار سهام شود.

در همین زمینه، «مجتبی دیا» از کارشناسان بازارهای مالی به «کوایران» گفت: «نسب جهانی کماکان در محدوده مشخص گرفتار شده است و برای خارج از این محدوده نیازمند شکستن این محدوده‌هاست تا ریمت حرکتی در نهایت شکل بگیرد. جریان اقتصاد ایالات متحده مبنی بر کاهش متوالی‌تر نرخ بهره در ادامه سال، این سیگنال را به بازارهای جهانی مخابره می‌کند که شرایط برای اصلاح انس فراهم می‌شود. البته این موضوع در شرایطی رخ می‌دهد که خطر جنگ کم‌رنگ باشد.» به گفته وی، «سکه درحال حاضر در منطقه‌ای معامله می‌شود که شرایط خوبی برای ورودهای پربیسک سرمایه فراهم نمی‌کند. تأکید می‌شود خریدها به صورت پله‌ای و با محاسبه صورت بگیرد.»

طبق اعلام مرکز مبادله ارز و طلاای ایران، در روز یکشنبه (۱۵ مهرماه) پنجاه و ششمین جلسه حراج شمش طلا در مرکز مبادله برگزار شد که از مجموع ۱۴۲ کیلوگرم شمش طلای استاندارد عرضه شده در حراج‌های عمده و خرد تالار معاملات طلای این مرکز، ۱۴۰ کیلوگرم شمش از میانگین قیمت ۵ میلیارد و ۴۴۴ میلیون تومان به ازای هر ششمش طلای استاندارد از سوی متقاضیان معامله و خریداری شد. بیستمین جلسه حراج سکه طلا در روز دوشنبه ۱۶ مهرماه از طریق سامانه معاملات مرکز مبادله ارز و طلای ایران به نشانی market.ice.ir برگزار می‌شود و دارایی موضوع حراج، تمام سکه، نیم سکه و ربع سکه بهار آزادی ضرب سال ۱۳۸۶ بانک مرکزی و بدون بسته‌بندی است و کلیه اشخاص حقیقی با تابعیت ایرانی بالای ۱۸ سال می‌توانند در این حراج شرکت کنند. حداکثر حجم سفارش و خرید برای هر متقاضی مجموعاً پنج قطعه سکه است. به نحوی که می‌توان پنج قطعه

خبرنامه

یک اقتصاددان سوئدی مطرح کرد

نا توانی اقتصاد روسیه برای ادامه جنگ

«آندرس اسلوند»، کارشناس و نویسنده اقتصادی هشدار داد که اقتصاد روسیه نمی‌تواند در برابر جنگ اوکراین برای مدتی طولانی دوام بیاورد. این اقتصاددان سوئدی عضو ارشد سابق شورای آتلانتیک و رئیس شورای مشورتی بین‌المللی در مرکز تحقیقات اجتماعی و اقتصادی (CASE)، وضعیت اقتصاد روسیه را بسیار بدتر از آن چیزی می‌داند که به نظر می‌رسد. به گفته او، روسیه با یک بمب ساعتی در قلب اقتصاد خود مواجه است. نهادهای در این کشور به دلیل تلاوم جنگ در آستانه فروپاشی هستند و دولت برای تأمین اقتصاد جنگ، در حال قرض گرفتن از آینده خود است. او باور دارد که وضعیت اقتصادی این کشور ولادیمیر پوتین را مجبور می‌کند تا اوایل سال آینده جنگ علیه اوکراین را متوقف کند. «اسلوند» در مقاله‌ای جدید که در نشریه «پراژکت سیندیکیت» منتشر شده، به بادهای مخالف مالی، فناوری و جمعیتی اشاره کرد که بر اقتصاد نزدیک به رکود روسیه می‌وزد و تخمین می‌زند که تحریم‌های غرب هر سال ۲ تا ۳ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را کاهش می‌دهند. به گفته او، سرویس جاسوسی اوکراین ماه گذشته ادعا کرد که اسناد روسی در اختیار دارد که نشان می‌دهد کرملین می‌خواهد جنگ را به دلیل تشدید فشارهای اقتصادی و مالی، در اواخر سال ۲۰۲۵ به پایان برساند. «اسلوند» باور دارد چه این ادعا درست باشد چه نباشد، این سناریو منطقی خواهد بود. یکی از دلایل او این است که تحریم‌های غرب باعث ایجاد «تورم پنهان» در اقتصاد روسیه شده و درعین‌حال از جذب سرمایه با بازارهای مالی جهانی در این اقتصاد جلوگیری کرده و در عوض آن را مجبور به تکلیف ذخایر خود کرده است. در میان محدودیت‌ها، کرملین کسری بودجه سالانه خود را به ۲ درصد تولید ناخالص داخلی یا حدود ۴۰ میلیارد دلار محدود کرده است، اما با توجه به اینکه ذخایر نقدی صندوق ثروت ملی روسیه تا ماه مارس به ۵۵ میلیارد دلار کاهش یافته است، ذخایر دولتی سالان آینده باید تمام شود. به گفته این اقتصاددان، از سویی دیگر عقب‌ماندگی فناوریانه روسیه به دلیل فرار مغزها به‌واسطه فساد داخلی، جنگ و همچنین تحریم‌های غرب، تشدید شده است. در سایر نقاط اقتصاد روسیه، صادرات تسلیحات کاهش یافته است زیرا تقاضای بالا از سوی نیروهای خودی این کشور مانع فروش آن به کشورهای خارجی شده است. مأمین جنگی روسیه همچنین مشکل نیروی انسانی دارد زیرا نرخ پایین اشتغال، مهاجرت دسته‌جمعی روس‌ها و تلفات فزاینده جنگ توانایی جمع‌آوری نیروهای بیشتر را محدود ساخته است. با تمام شدن ذخایر مالی، روسیه در اجرای محاسباتی بودجه با مشکل مواجه خواهد شد. اسلوند تخمین می‌زند که روسیه حدود ۱۹۰ میلیارد دلار یا ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی را برای جنگ در سال جاری خرج خواهد کرد و کرملین با نزدیک شدن به سالگرد جنگ سال جنگ، دیگر برای کاهش هزینه‌های متفرقه در راستای تأمین مالی جنگ، دست‌انبریزی در اقتصاد خود ندارد. به گفته این کارشناس، در چنین شرایطی در صورتی که اوکراین سالانه ۵۰ میلیارد دلار بودجه اضافی داشته باشد و برای بیماران اهداف نظامی در داخل روسیه همچنین مجوز بگیرد، می‌تواند در جنگ پیروز شود. البته «اسلوند» تنها فردی نیست که نسبت به وخامت وضعیت اقتصادی روسیه هشدار داده است. برخی دیگر نیز ارزیابی‌های وحشتناکی از اقتصاد روسیه ارائه کرده‌اند. موسسه بانک فنانلدر، گزارش جدید خود از اقتصادهای نوظهور اعلام کرد که رشد اقتصاد روسیه از ۳.۵ درصد در سال جاری به تنها یک درصد در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ کاهش خواهد یافت. در این گزارش آمده است که برای پیش‌بینی نرخ رشد فعلی، روسیه باید دستاوردهای عمده‌ای در بهره‌وری داشته باشد، اما به دلیل سرمایه‌گذاری‌هایی که برای ارزش و جنگ انجام می‌شود، تحقق این مهم بسیار بعید است. براساس این گزارش، کمبود نیروی کار و ناتوانی در خرید قطعات یدکی یا تجهیزات جدید از غرب نیز مانع رشد اقتصادی این کشور خواهد شد.

اقتصاد آلمان ۰.۲ درصد کوچک می‌شود

بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا در سراسییبی

زوددوپیچه تسلیاتونگه، پرتیراژترین روزنامه آلمان در گزارش جدید خود از قصد کاهش چشم‌انداز رشد اقتصاد آلمان توسط وزارت اقتصاد این کشور خبر داد. این روزنامه گزارش داد که وزارت اقتصاد آلمان قصد دارد پیش‌بینی رشد اقتصادی خود در سال ۲۰۲۴ را کاهش دهد و انتظار دارد بزرگ‌ترین اقتصاد اروپا ۰.۲ درصد کوچک‌تر شود. پیش‌بینی اقتیاضی تعدیل‌شده با تورم، که این وزارت‌تخانه قرار است روز چهارشنبه منتشر کند، به دنبال پیش‌بینی قبلی دولت مبنی بر رشد ۰.۳ درصدی در سال جاری پس از انقباض ۰.۳ درصدی در سال ۲۰۲۳ است. ماه گذشته هم موسسه‌های اقتصادی پیشرو آلمان پیش‌بینی خود برای سال ۲۰۲۴ را به ۰.۱ درصد کاهش دادند. وزارت اقتصاد آلمان به رهبری «ایرث هابک» از حزب سبز همچنین قصد دارد برای سال آینده پیش‌بینی رشد اقتصادی ۱.۱ درصدی را اعلام کند که نسبت به ۱ درصد پیش‌بینی قبلی کمی افزایش خواهد داشت. زوددوپیچه تسلیاتونگ بدون ذکر منبع همچنین اعلام کرد پیش‌بینی رشد برای سال ۲۰۲۶ هم ۱.۶ درصد تعیین شده است و این بهبود پیش‌بینی متکی بر بسته‌ای از اقدامات دولت برای تحریک رشد اقتصادی است. هابک در گفت‌وگو با این رسانه گفت که هنوز کارهای زیادی برای انجام دادن وجود دارد، اما اگر اقدامات رشد دولت به‌طور کامل اجرا شود، اقتصاد طی دو سال آینده شاهد «رشد قابل توجه قوی‌تری» خواهد بود، که نیاز به حمایت همه کشورهای منطقه دارد. وزارت اقتصاد آلمان هم اظهارات هابک را تایید کرده، اما از اظهارنظر بیشتر خودداری کرده است.

ترمز افزایش قیمت نفت کشیده شد

قیمت نفت پس از ثبت بزرگ‌ترین رشد هفتگی یک سال اخیر در هفته گذشته، در معاملات روز دوشنبه بازار آسیا تحت تاثیر نگرانی نسبت به احتمال مازاد عرضه و تقاضای ضعیف، کاهش یافت. بهای معاملات نفت برنت ۳۱ سنت معادل ۰.۴ درصد کاهش یافت و به ۱۷۷ دلار و ۲۴ سنت در هر بشکه رسید. بهای معاملات وست تگزاس اینترمدیت آمریکا یا ۲۰ سنت معادل ۰.۲۷ درصد کاهش، به ۵۴ دلار و ۱۸ سنت در هر بشکه رسید. برنت در هفته گذشته، تحت تاثیر تشدید حملات رژیم صهیونیستی به لبنان، عملیات وعده صادق ۲ و بیم گسترش درگیری‌ها در خاورمیانه و متأثر شدن عرضه نفت این منطقه، بیش از ۸ درصد افزایش یافت که بزرگ‌ترین رشد هفتگی از ژانویه سال ۲۰۲۳ بود و وست تگزاس اینترمدیت هم ۹.۱ درصد رشد هفتگی داشت که بزرگ‌ترین رشد هفتگی از مارس سال ۲۰۲۳ بود. در حالی که بازار نفت به دقت تحولات خاورمیانه را دنبال می‌کند، بعضی از معامله‌گران در معاملات دوشنبه، به سودگیری از رشد هفته گذشته نفت پرداختند. «پرایناک ساچدوا»، تحلیلگر ارشد بازار در شرکت «فیلیپ نوا»، گفت: به نظر می‌رسد سودگیری فنی، منطقی‌ترین توضیح برای کاهش قیمت نفت در معاملات روز جاری باشد. به گزارش «رویتزر»، رژیم صهیونیستی روز یکشنبه در سالگرد طوفان الاقصی در هتم اکثر، اهدافی را در جنوب لبنان و نوار غزه بمباران کرد. وزیر دفاع این رژیم همچنین اعلام کرد همه گزین‌ها برای واکنش به عملیات ایران، باز است. در این بین، کمیته نظارتی مشترک وزیران اوپک پلاس در نشست دوم اکتبر خود، هیچ تغییری در سیاست تولید این گروه را توصیه نکرد. اوپک پلاس در حال حاضر برای حمایت از قیمت نفت، تولیدش را میلیون‌ها بشکه در روز محدود نگه داشته است. عربستان سعودی هم در بچوبه تشدید نوسان در بازار نفت، قیمت رسمی فروش نفت به آسیا را افزایش داد. آرامکو سعودی قیمت فروش گرید نفتی «عرب لایت» به آسیا را ۹۰ سنت افزایش داد و ۵ دلار و ۲۰ سنت تأثیر در هر بشکه بالاتر از قیمت پایه منطقه‌ای تعیین کرد.

در ادامه روند نزولی بورس، سطح ۲.۱ میلیون واحدی از دست رفت

فروش هیجان طلایی‌ها



فشار عرضه در بورس کمتر شد

بازار بورس در سومین روز هفته همانند هفت روز کاری قبل منفی شد اما در دقایق پایانی، سهام بزرگ از منفی به مثبت شیفت کردند؛ این حال شاخص کل با کاهش ۰.۳۷ درصدی سرانجام کانال مهم ۲.۱ میلیونی را از دست داد و در پایان معاملات دوشنبه در سطح ۲ میلیون ۹۳ هزار واحد ایستاد. در معاملات روز گذشته، تعداد سهام مثبت بورس ۵۲ عدد و سهام منفی ۲۳۳ عدد بود، اما مقایسه بازار با روز قبل نشان می‌دهد که فشار فروش به طور محسوسی کاهش یافته و به کمتر از یک سوم روزهای قبل رسیده است. تعداد معاملات نیز نسبت به روز یکشنبه حدودا ۴.۳ برابر شد.
همهای شاخص کل، شاخص هم‌وزن نیز به روند نزولی خود ادامه داد و با افت ۰.۲۳ درصدی در کف کانال ۶۹۷ هزار واحدی جای گرفت. در این روز حدود ۲۰۷ هزار قره معامله به ارزش ۴۱۲۴ میلیارد تومان در بازار سهام انجام شد. فولاد و فملی به ترتیب از نمادهای تاثیر گذار بر شاخص بورس بودند که همگی قرمز شدند. از نمادهای پرتراکش نیز می‌توان به فولاد، پارسسیان و فابهران اشاره کرد. نکته قابل توجه، حرکت تدریجی سهام بزرگ از منفی به مثبت بود. در بازار فرابورس نیز شاخص کل ۵۶ واحد کاهش داشت و به سطح ۲۲ هزار ۱۵ واحد رسید. تعداد معاملات این روز فرابورس ۱۰۵ هزار فقره و ارزش آن ۲۵۰۲ میلیارد تومان بود. نمادهای کپهر، فصا و وسپهر بیشترین تاثیر منفی را بر شاخص فرابورس داشتند. فزر، فصبا و غوثیا هم از نمادهای پرتراکش بازار بودند. به نظر می‌رسد در روزهای اخیر ریسک‌های سیستماتیک و متغیرهای سیاسی، اثر کاهشی بر بازار سهام داشته و منجر به فشار فروش شده است. ایران در شامگاه سه‌شنبه هفته گذشته در پاسخ به شرارت‌های اخیر رژیم صهیونیستی از جمله ترور اسماعیل هنیه در خاک کشور و به شهادت رساندن سرداد مقاومت، سیدحسن نصرالله و عباس نیلفروشان، تل اوپو را هدف ۲۰۰ موشک بالستیک قرار داد و ضربات مهلکی به رژیم صهیونیستی وارد کرد. از ابتدای هفته گذشته و به دنبال شهادت سیدحسن نصرالله نیز سازمان بورس دامنه نوسان را از سه درصد به مثبت و منفی یک درصد کاهش داد.

در معاملات روز گذشته حالا تعداد روزهای قرمز بازار به هشت روز رسید و همچنین برای نهمین روز متوالی روند خروج پول حقیقی از تالار شیشه‌ای ادامه یافت. شاخص کل بورس تهران با افت بیش از ۷ هزار واحدی معادل ۰.۳۷ درصد سرانجام کانال ۲.۱ میلیون واحد را از دست داد و در محدوده ۲ میلیون ۹۳ هزار واحد به کار خود پایان داد. شاخص کل هم‌وزن نیز که در اولین روز هفته جاری، کانال ۷۰۰ هزار واحد را از دست داده بود، همچنان روند نزولی خود را پی گرفت و با ۰.۲۳ درصد کاهش ارتفاع در کانال ۶۹۷ هزار و ۲۳ واحد به کار خود پایان داد. ارزش کل معاملات بازار ۲۵۶ میلیارد و ۶۹۸ میلیون تومان بوده که از این مبلغ ۳هزار و ۱۰۷میلیارد تومان آن مربوط به معاملات خرد سهام و حق تقدم بوده است. ارزش معاملات نسبت به روز گذشته با افزایش چشمگیری مواجه شد که دلیل آن، فروش ۲۴۷ میلیارد و ۴۳۰ میلیون تومانی اوراق مشارکت بوده که ۹۶ درصد از کل ارزش معاملات بازار دوشنبه را شامل می‌شود. در معاملات روز گذشته، ۸ درصد دادها در محدوده منفی و ۲۰ درصد نمادها در محدوده مثبت معامله شدند که نسبت به کلیت ۹۵ درصدی سرخ بازار در روز یکشنبه، بهبود وضعیت را نشان می‌دهد. همچنین تداوم خروج پول حقیقی وارد نهمین روز متوالی خود شد و بورس تهران بالغ بر ۲۲۵ میلیارد تومان سرمایه حقیقی از دست داد. کلیت صندوق‌های طلا بعد از مدتها قرمز شد و با فروکش کردن هیجانات در این بخش، اکثر صندوق‌های طلا با افت قیمت مواجه شدند تا در قیمت‌های مناسب‌تری برای خرید قرار بگیرند. «حجت‌اله صدیقی»، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار در اظهارنظر اخیر خود گفت: «در روزهای اخیر که لایحه بودجه در حال تهیه است، در جلسات شرکت می‌کنیم و درباره مستقیم و غیرمستقیمی که تاثیر گذار روی بورس اریزنی می‌کنیم، تیم برنامه‌ریزی دولت و مجلسی‌ها هم‌راهی بسیار خوبی با بورسی‌ها دارند. برخی از این بندها مربوط به معافیت مالیاتی است که تلاش می‌کنیم آنها را حفظ خواهیم کرد. درباره سایر موارد مانند مشوق‌های صادراتی، افزایش سرمایه از محل سود انباشته، حقوق گمرکی، نرخ خوراک و حقوق مالکانه مربوط به معادن تلاش خواهیم کرد.»

خروج سرمایه حقیقی ادامه دارد

در جریان معاملات روز دوشنبه در بازار سهام، ارزش معاملات خرد نسبت به روز گذشته چهار برابر شد و شاخص کل بورس، سطح روانی ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار واحدی را از دست داد. با تداوم روند منفی شاخص‌ها

در اولین نشست هم‌اندیشی برندهای تجاری اتاق ایران مطرح شد

ردپای اقتصاد دولتی در شکست برندینگ

بناشد. باید در صادرات استعمار و نظم داشته باشیم. دولت باید از صدور دست‌ورعمل‌هایی که جلوی صادرات را می‌گیرد، جلوگیری کند. با این شرایط خصوصی به میدان نمی‌آید و در نتیجه این شیوه، برندسازی ممکن نیست.

«رئیس اتاق ایران» نیز در این میان گفت: خرید کالای ژاپن از طریق شرکت‌های مشخص شده انجام می‌شود ولی ما چنین عمل نمی‌کنیم و این مشکلات چندین سال است که هنوز حل نشده است. ما برای انتقال پول از عراق به ایران ۲۰ درصد تفاوت معامله داریم. در هیچ کجای دنیا فعال اقتصادی در این شرایط نمی‌تواند کار کند ولی ایران تا به‌حال نتوانسته است.

امیدواریم بتوانیم به تکلیف خود در حوزه صادرات عمل کنیم. همچنین در ادامه این نشست، «میرحسین اسدی»، دبیر کمیسیون برند وزارت صمت از اهمیت رتبه‌بندی توسط بخش خصوصی سخن گفت و افزود: باید در برندسازی به ظرفیت‌های ایران در حوزه‌های مختلف توجه شود و سازمان توسعه تجارت در این زمینه از بخش خصوصی حمایت می‌کند. باید به اثرگذاری برندینگ در توسعه تجارت خارجی توجه شود. هیچ کدام از برندهای ما در شبکه‌های بین‌المللی تبلیغات ندارند. بودجه فناوری شرکت‌های ما خیلی پایین است. باید بودجه تبلیغات جزو بهای تمام‌شده باشد ولی این را کشور قبول ندارد. ما با اکوسیستم تجارت خارجی و با اثرگذاری تبلیغات بیگانه‌ام. در کشورهای مختلف به ارزش برندها توجه دارند؛ مثلا سه ارزش برند وام می‌دهند ولی ما هیچ نهاد ارزش‌گذاری برند نداریم. ما شاخص برندسازی و هزینه برند نداریم. مثلا ما سیستمی نداریم که گردشگری را تقویت کند تا حوزه برند گردشگری را تقویت کنیم.

«علی قنبری»، نماینده شرکت داروسازی دکتر عبیدی نیز در این نشست گفت: تقبی که برند تولید می‌کند کارش خیلی بارزتر است. البته باید کشور ایران برند شود و گرنه کار کردن ممکن نیست. باید ریشه‌ای موضوع برند حل شود. باید مشکلات برند عارضه‌یابی شود و گرنه پاسخی برای مشکلات پیدا نمی‌کنیم.

«مهدی صادقی نیازیکی» از فعالان اقتصادی هم گفت: در دنیا شرکت‌های پیشرو ارزش‌داریابی نگاه‌هاست. ما مصوبه‌ای داریم که ارزش برند جزو وثیقه شود ولی در عمل چنین نیست. باید این تعارض‌ها به‌صورت قانونی حل شود. باید چرخه نوآوری در شرکت‌ها به وجود آید تا برندای خلق شود. ارزش برند در چرخه نوآوری و تحقیق و توسعه است. باید برند را منظومه بینیم و باید به الزامات آن توجه کنیم. ارزش‌گذاری ناشی از نوآوری و خلاقیت است.

سپس «ابراهیم جمیلی»، رئیس اتاق مشترک ایران و هند گفت: ما قبلا برند ملی داشتیم ولی آن را از دست دادیم. اول باید برندهای خود را حفظ کنیم، اما متأسفانه برند در ایران متولد نمی‌دارد. برای برندسازی باید به فرهنگ برندسازی توجه شود. ما بدست خود برندهای خود را از دست دادیم. ما به دست خود، برندکنشی کردیم. باید ارزش مالکیت معنوی مشخص و حمایت شود. اتاق ایران، اتاق اصناف و اتاق تعاون در این زمینه کار مشترکی انجام دهند. باید از کارهای موزای جلوگیری کنیم. همچنین در ادامه این نشست، «محمدرضا نعمت‌زاده»، وزیر اسبق صمت با تاکید بر برندینگ گفت: برندینگ موضوعی مهم است، که باید اتاق ایران آن را باید به‌صورت مستمر پیگیری کند. گاهی ارزش برند از ارزش سهام بالاتر است. باید با ماده‌وحداه‌ای این را قانونی کنیم. واحد

کاهش هزینه‌ها در سازمان‌های بزرگ

سرنوشت برند را با مشکلات زیادی همراه سازد؛ چراکه ولخرجی بی‌حساب و کتاب دست آخر کار دست برندها خواهد داد.

سوال کلیدی در این‌ بخش شیوه‌های مدیریتی هزینه‌هاست.
خب باید روش‌هایی برای کاهش هزینه برای نیروی انسانی در میان باشد، مگر نه؟

بازنگری در ساختار سازمانی اولیـن و صدالبته پیچیده‌ترین روش محسوب می‌شود. یکی از روش‌های موثر در کاهش هزینه‌های نیروی انسانی، بازنگری در ساختار سازمانی است. این شامل کاهش تعداد پست‌های

بهینه‌سازی مستمر فرآیندها را در اولویت خود قرار می‌دهند.

مدیریت انرژی و منابع

سازمان‌های بزرگ معمولاً هزینه‌های بالایی در زمینه مصرف انرژی و منابع دارند. مدیریت بهینه این منابع می‌تواند به کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش بهره‌وری کمک کند.

بهینه‌سازی مصرف انرژی ساده‌ترین روشی است که در این رابطه به ذهن می‌رسد. استفاده از تجهیزات کارآمد و فناوری‌های نوین می‌تواند به بهینه‌سازی مصرف انرژی در

متاسفانه خیلی از کارآفرینان نسبت به برون‌سپاری گارد سفت و سختی دارند. به همین خاطر معمولاً دور آن را خط می‌کشند. این در حالی است که شما با سرمایه‌گذاری درست و حسابی در این حوزه به سادگی امکان کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت محصولات را خواهید داشت. فراموش نکنید، برند شما توانایی تأمین همه خدمات مورد نیاز به بهترین شکل را ندارند. به همین خاطر کمک گرفتن از دیگران در مواقع ضروری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

نکته دیگر اینکـه، به جای کاهش تعداد کارکنان،



مدیریتی غیرضروری، ادغام بخش‌های مشابه و کاهش بوروکراسی می‌شود. ساده‌سازی ساختار سازمانی می‌تواند به کاهش هزینه‌ها بدون افت کیفیت کار کمک کند.

بی‌شک بازنگری در ساختار سازمانی همیشه همراه با مقاومت‌هایی خواهد بود. با این حال اگر شما در مسیرتان کمی پافشاری بیشتری به خرج دهید، کارتان بی‌نهایت ساده‌تر خواهد شد.

برون‌سپاری وظایف غیرحیاتی به شرکت‌های خارجی یکی از راهکارهای موثر در کاهش هزینه‌هاست. برای مثال، بسیاری از سازمان‌های بزرگ برخی از وظایف مانند حسابداری، فناوری اطلاعات یا خدمات پشتیبانی را به شرکت‌های تخصصی برون‌سپاری می‌کنند. این اقدام می‌تواند به کاهش هزینه‌های نیروی انسانی و بهره‌وری بیشتر کمک کند.

نویسنده: علی‌علی‌علی

وقتی صحبت از کاهش هزینه‌ها می‌شود، خیلی از کارآفرینان خیالی می‌کنند این تکنیک‌ها فقط به درد کسب و کارهای کوچک یا استارت‌آپ‌های تازه نفس می‌خورد. انگار که برندها یا سازمان‌های بزرگ در حاشیه امن انکارناپذیری قرار دارند. این دقیقاً همان پیشفرضی است که کار دست اغلب مدیران می‌دهد.
خب چه کسی گفته سازمان‌های بزرگ نیازی به صرفه‌جویی در هزینه‌ها ندارند؟

در دنیای کسب و کار امروز، مدیریت هزینه‌ها یکی از مهمترین عوامل موفقیت برای سازمان‌های بزرگ است. هرچند درآمد بالا می‌تواند یک سازمان را به سودآوری برساند، اما بدون کنترل صحیح هزینه‌ها، حتی درآمدهای بزرگ نیز به سرعت می‌توانند تبدیل به ضرر و زیان شوند. به همین دلیل، کاهش هزینه‌ها و مدیریت صحیح منابع مالی یکی از اولویت‌های کلیدی در مدیریت سازمان‌های بزرگ است.
سازمان‌های بزرگ، به دلیل گستردگی عملیات و پیچیدگی‌های مدیریتی، با چالش‌های ویژه‌ای در کاهش هزینه‌ها مواجه هستند. از هزینه‌های مربوط به نیروی انسانی گرفته تا هزینه‌های فناوری، زنجیره تامین و مدیریت دارایی‌ها، همگی نیازمند استراتژی‌های دقیق و حساب‌شده هستند. ما در این مقاله، به بررسی راهکارهای عملی و ساز و کارهای موجود برای کاهش هزینه‌ها در سازمان‌های بزرگ می‌پردازیم و چالش‌های اجرایی این راهکارها را تحلیل می‌کنیم.

یادتان باشد، شما لازم نیست حتما مدیر ارشد یک سازمان عریض و طویل باشید تا از نکات مورد بحث در این مقاله سود ببرید. حتی به عنوان یک کارمند عادی پدر چنین سازمان‌هایی نیز توجه به نکات مورد بحث خالی از فایده نیست. پس با ما همراه شوید تا نکات کلیدی در این رابطه را بررسی کنیم.

تحلیل دقیق هزینه‌ها

اولین و اساسی‌ترین گام در کاهش هزینه‌ها، تحلیل دقیق و جامع از تمام هزینه‌های سازمان است. بسیاری از سازمان‌های بزرگ، به دلیل گستردگی فعالیت‌ها و تعدد واحدهای سازمانی، ممکن است دچار عدم شفافیت در مورد هزینه‌های خود شوند. بدون داشتن دیدگاه دقیق از نحوه مصرف منابع، هرگونه تلاش برای کاهش هزینه‌ها بی‌نتیجه خواهد بود.

تفکیک هزینه‌ها براساس واحدهای سازمانی یکی از روش‌های تحلیل دقیق هزینه‌هاست. سازمان‌های بزرگ معمولاً شامل واحدها و بخش‌های مختلفی هستند که هر یک هزینه‌های خاص خود را دارند. تفکیک هزینه‌ها براساس این واحدها و تحلیل آنها به صورت جداگانه می‌تواند به شناسایی واحدهای پرهزینه و ناکارآمد کمک کند. برای مثال، بخش‌های تولید، بازاریابی، فروش و منابع انسانی هر کدام هزینه‌های جداگانه‌ای دارند که باید به طور دقیق تحلیل شوند.

یادتان باشد، وظیفه حسابرسی از هر بخش برعهده شما نیست. در عوض می‌توانید نقش نظارتی در این میان ایفا کنید. اینطوری پتانسیل بهتری برای اثر گذاری بر روی مخاطب هدف خواهید داشت.

استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی و نرم‌افزارهای مدیریت مالی نیز تکنیک مناسب دیگری برای جمع‌بندی و ادغام هزینه‌ها محسوب می‌شود. نرم‌افزارهای مدیریت مالی می‌توانند به تحلیل دقیق هزینه‌ها کمک کنند. این نرم‌افزارها امکان ردیابی دقیق هزینه‌ها را فراهم می‌کنند و به مدیران اجازه می‌دهند که به روز و دقیق از وضعیت مالی سازمان خود آگاه شوند. به عنوان مثال، سیستم‌های برنامه‌ریزی منابع سازمانی (ERP) می‌توانند به جمع‌آوری و تحلیل داده‌های هزینه‌ای کمک کنند. البته شاید برای شروع استفاده از چنین ابزارهایی نیاز به کمی آموزش یا دست کم تمرین داشته باشید.

تعیین هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم آخرین ماموریت شما در این بخش خواهد بود. یکی دیگر از روش‌های تحلیل هزینه، تفکیک هزینه‌ها به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم است. هزینه‌های مستقیم مانند هزینه‌های تولید یا حقوق و دستمزد مستقیماً به فعالیت‌های اصلی سازمان مرتبط هستند، در حالی که هزینه‌های غیرمستقیم مانند هزینه‌های عمومی و اداری کمتر قابل شناسایی‌اند. تحلیل هر دو دسته هزینه می‌تواند به کاهش کلی هزینه‌ها کمک کند.

کاهش هزینه نیروی انسانی

یکی از بزرگ‌ترین هزینه‌های هر سازمانی، هزینه‌های مرتبط با نیروی انسانی است. در سازمان‌های بزرگ، این هزینه‌ها شامل حقوق و دستمزد، بیمه، مزایا، آموزش و توسعه کارکنان و سایر هزینه‌های مرتبط می‌شود. با این‌ حال، کاهش هزینه‌های نیروی انسانی یکی از چالش‌برانگیزترین بخش‌ها در مدیریت هزینه‌هاست؛ چراکه این اقدام ممکن است تأثیرات منفی بر روحیه کارکنان و کیفیت کار داشته باشد.

معمولاً کسب و کارها هزینه‌های زیادی در رابطه با نیروی انسانی انجام داده و در عین حال هیچ برنامه‌ای برای بازگشت سرمایه ندارند. این مسئله‌ای است که می‌تواند

سازمان‌ها می‌توانند به افزایش بهره‌وری کارکنان خود تمرکز کنند. ارائه آموزش‌های مناسب، به کارگیری فناوری‌های نوین و تشویق به کارایی بیشتر می‌تواند به کاهش هزینه‌های نیروی انسانی بدون نیاز به تعدیل نیرو کمک کند.

سیاست‌های انعطاف‌پذیر کاری آخرین اقدام موثر شما در این میان خواهد بود. سیاست‌های کاری انعطاف‌پذیر مانند کار از راه دور یا ساعات‌های کاری منعطف می‌تواند به کاهش هزینه‌های اداری و تسهیلات کمک کند و در عین حال بهره‌وری کارکنان را افزایش دهد. این سیاست‌ها همچنین می‌تواند به بهبود رضایت شغلی کارکنان کمک کند.

مدیریت بهینه زنجیره تامین

زنجیره تامین یکی از عوامل کلیدی در مدیریت هزینه‌ها در سازمان‌های بزرگ است. هر گونه نقص در مدیریت زنجیره تامین می‌تواند منجر به افزایش هزینه‌های تولید، تامین و انبارداری شود. بنابراین، بهینه‌سازی زنجیره تامین از اهمیت بسیاری برخوردار است.

وقتی درباره زنجیره تامین در سازمان‌های بزرگ حرف می‌زنیم، در واقع منظورمان حجم زیاد از مبادلات و صدالبته هزینه فراوان است. به همین خاطر نباید وضعیت را به این سادگی بررسی کنید. ساده‌انگاری ماجرا خودش یکی از مهمترین مشکلات این حوزه محسوب می‌شود.

بهینه‌سازی فرآیندهای تامین و لجستیک اقدامی است که تأثیر استراتژیکی بر روی هزینه‌های برند دارد. یکی از راه‌های موثر برای کاهش هزینه‌های زنجیره تامین، بهینه‌سازی فرآیندهای تامین و لجستیک است. این شامل بهینه‌سازی حمل و نقل، مدیریت موجودی‌ها و کاهش هدررفت مواد می‌شود. استفاده از فناوری‌های پیشرفته مانند تحلیل داده‌ها و اینترنت اشیا (IoT) می‌تواند به بهبود عملکرد زنجیره تامین و کاهش هزینه‌ها کمک کند. روابط بهتر با تامین‌کنندگان نیز باید در کانون توجه قرار گیرد. ایجاد روابط مستحکم و مبتنی بر همکاری با تامین‌کنندگان می‌تواند به کاهش هزینه‌ها کمک کند. مذاکره برای قیمت‌های بهتر، توافق‌های طولانی‌مدت با تامین‌کنندگان و خرید به صورت عمده می‌تواند به کاهش هزینه‌های تامین منجر شود.

رویکرد تولید ناب بر کاهش هدررفت و افزایش بهره‌وری در فرآیندهای تولید تمرکز دارد. این رویکرد می‌تواند به کاهش هزینه‌های تولید و بهبود کیفیت محصولات کمک کند. سازمان‌هایی که از این روش استفاده می‌کنند،

سازمان کمک کند. برای مثال، استفاده از سیستم‌های هوشمند مدیریت انرژی، تعویض لامپ‌های قدیمی با لامپ‌های کم‌مصرف و بهینه‌سازی سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی می‌تواند به کاهش هزینه‌های انرژی منجر شود.

بازایافت و استفاده مجدد از منابع هم گزینه جذاب دیگری است. سازمان‌ها می‌توانند با ایجاد سیاست‌های بازیافت و استفاده مجدد از مواد و منابع، هزینه‌های خود را کاهش دهند. برای مثال، بازیافت زباله‌ها و استفاده مجدد از مواد اولیه می‌تواند به کاهش هزینه‌های تولید و تامین کمک کند.

استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر بخش دیگر ماجرا محسوب می‌شود. بی‌شک استفاده مداوم از انرژی‌های تجدیدپذیر از کسب و کار شما یک هویت جذاب برای مشتریان خواهد ساخت. این مسئله به طور ویژه‌ای برای کسانی که حامی سفت و سخت حمایت از محیط زیست هستند، کلیدی خواهد بود. سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی یا بادی می‌تواند به کاهش هزینه‌های انرژی در بلندمدت کمک کند. هرچند این نوع سرمایه‌گذاری‌ها ممکن است در ابتدا هزینه‌بر باشند، اما در درازمدت می‌توانند باعث صرفه‌جویی قابل توجهی در هزینه‌ها شوند.

استفاده از فناوری‌های نوین

فناوری‌های نوین می‌توانند نقش مهمی در کاهش هزینه‌های سازمان‌ها ایفا کنند. از اتوماسیون فرآیندها گرفته تا استفاده از هوش مصنوعی و تحلیل داده‌ها، نوآوری‌های فناورانه می‌توانند به بهبود بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها کمک کنند.

اتوماسیون فرآیندها گامی موثر برای صرفه‌جویی در وقت و هزینه است. استفاده از فناوری‌های اتوماسیون می‌تواند به کاهش هزینه‌های نیروی انسانی و افزایش بهره‌وری کمک کند. برای مثال، اتوماسیون فرآیندهای تولید، مالی و اداری می‌تواند باعث کاهش نیاز به نیروی انسانی و افزایش سرعت و دقت عملیات شود.

استفاده از هوش مصنوعی و تحلیل داده‌ها نیز این روزها حسابی پرطرفدار است. هوش مصنوعی و تحلیل داده‌ها می‌توانند به سازمان‌ها کمک کنند تا تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تری در زمینه مدیریت هزینه‌ها بگیرند. برای مثال، تحلیل داده‌های مالی و عملیاتی می‌تواند به شناسایی نقاط ضعف و فرصت‌های بهبود کمک کند.

بهره‌گیری از فضای ابری اقدامی کلیدی برای کاهش نیاز

به محل ذخیره‌سازی فیزیکی اطلاعات است. استفاده از فناوری ابری می‌تواند به کاهش هزینه‌های زیرساخت‌های فناوری اطلاعات کمک کند. این فناوری به سازمان‌ها اجازه می‌دهد که بدون نیاز به سرمایه‌گذاری‌های سنگین در سخت‌افزار و نرم‌افزار، به منابع محاسباتی دسترسی داشته باشند.

بهینه‌سازی فرآیندهای اداری

در سازمان‌های بزرگ، فرآیندهای اداری و بوروکراتیک می‌توانند منجر به افزایش هزینه‌ها شوند. بنابراین، بهینه‌سازی این فرآیندها یکی از راه‌های موثر برای کاهش هزینه‌ها است.

بی‌شک همه ما تجربه‌هایی از گیر کردن در فرآیند اداری داشته‌ایم. شاید خیال کنید این اتفاق برای کارمندان یک سازمان بزرگ بسیار خوشحال‌کننده است، اما روی دیگر سکه نیز چندان جذاب نیست. این یعنی هر دو طرف ماجرا در شرایط بوروکراتیک پیچیده به مشکل خواهند خورد. به همین خاطر ضروری است از روش‌های کلیدی برای کاهش مشکلات سود ببرید.

کاهش بوروکراسی مهم‌ترین وظیفه شماست. حذف فرآیندهای غیرضروری و کاهش بوروکراسی می‌تواند به کاهش هزینه‌های اداری و افزایش سرعت عملیات کمک کند. این شامل کاهش تعداد تأییدیه‌ها و امضاهای موردنیاز، تسهیل فرآیندهای داخلی و بهینه‌سازی جریان کار است.

استفاده از فناوری‌های دیجیتال نیز گزینه خوبی خواهد بود. دیجیتال‌سازی فرآیندهای اداری می‌تواند به کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری کمک کند. استفاده از سیستم‌های مدیریت اسناد دیجیتال، کاهش استفاده از کاغذ و خودکارسازی فرآیندهای اداری می‌تواند به کاهش هزینه‌های اداری منجر شود.

کار از راه دور و سیاست‌های کاری انعطاف‌پذیر آخرین سنگر شما محسوب می‌شود. استفاده از سیاست‌های کاری انعطاف‌پذیر و تشویق کارکنان به کار از راه دور می‌تواند به کاهش هزینه‌های مربوط به فضای کاری، تجهیزات اداری و انرژی کمک کند.

تحول فرهنگ سازمانی

یکی از عوامل کلیدی در موفقیت هر برنامه کاهش هزینه، ایجاد فرهنگ کاهش هزینه در سازمان است. برای اینکه این برنامه‌ها موثر باشند، تمام کارکنان باید از اهمیت کاهش هزینه‌ها آگاه باشند و در این فرآیند مشارکت کنند. آموزش و آگاهی‌بخشی وظیفه‌ای انکارناپذیر است. آموزش کارکنان در مورد اهمیت کاهش هزینه‌ها و تاثیر آن بر عملکرد سازمان می‌تواند به ایجاد فرهنگ صرفه‌جویی کمک کند. این آموزش‌ها می‌تواند شامل برنامه‌های آگاهی‌بخشی درباره مصرف بهینه منابع و انرژی، مدیریت هزینه‌های فردی و تشویق به ایده‌پردازی در زمینه کاهش هزینه‌ها باشد.

تشویق به مشارکت کارکنان نیز نقش مهمی در صرفه‌جویی مداوم دارد. ایجاد سیستم‌های تشویقی برای کارکنانی که ایده‌های نوآورانه در زمینه کاهش هزینه‌ها ارائه می‌دهند، می‌تواند به مشارکت بیشتر آنها در این فرآیند کمک کند. این سیستم‌ها می‌توانند شامل پاداش‌های مالی، تشویق‌های معنوی یا فرصت‌های ارتقای شغلی باشند.

شفافیت در مدیریت هزینه‌ها تمام فعالیت‌های شما را نتیجه‌بخش خواهد کرد. ایجاد شفافیت در مدیریت هزینه‌ها و ارائه گزارش‌های منظم به کارکنان درباره وضعیت هزینه‌ها می‌تواند به افزایش آگاهی و مشارکت آنها در فرآیند کاهش هزینه‌ها کمک کند. وقتی کارکنان ببینند که تلاش‌های آنها برای کاهش هزینه‌ها به نتایج ملموسی منجر شده، انگیزه بیشتری برای ادامه این راه خواهند داشت.

چالش‌های کاهش هزینه‌ها در سازمان‌های بزرگ

هرچند کاهش هزینه‌ها می‌تواند به بهبود عملکرد مالی سازمان‌ها کمک کند، اما اجرای این برنامه‌ها با چالش‌های مختلفی همراه است که در ادامه به برخی از آنها می‌پردازیم:

مقاومت در برابر تغییر: یکی از مهمترین چالش‌ها در کاهش هزینه‌ها، مقاومت کارکنان در برابر تغییرات است.

تغییرات در ساختار سازمانی، کاهش نیروی انسانی یا تغییر در فرآیندهای کاری می‌تواند باعث مقاومت و ناراحتی کارکنان شود که نیازمند مدیریت دقیق این تغییرات است. خطر کاهش کیفیت: کاهش هزینه‌ها نباید به قیمت کاهش کیفیت محصولات یا خدمات تمام شود. سازمان‌ها باید دقت کنند که در تلاش برای کاهش هزینه‌ها، کیفیت کار و رضایت مشتریان را قربانی نکنند. پیچیدگی‌های سازمانی: در سازمان‌های بزرگ، به دلیل گستردگی و پیچیدگی ساختارها، اجرای برنامه‌های کاهش هزینه ممکن است به چالش‌های جدی برخورد کند. هماهنگی میان بخش‌های مختلف و تضمین اجرای صحیح برنامه‌ها نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت قوی است.

سخن پایانی

کاهش هزینه‌ها در سازمان‌های بزرگ، یکی از مهمترین اولویت‌ها برای بهبود عملکرد مالی و رقابتی آنها است. با استفاده از روش‌های مختلف از جمله تحلیل دقیق هزینه‌ها، بهینه‌سازی زنجیره تامین، مدیریت انرژی و منابع، به کارگیری فناوری‌های نوین و ایجاد فرهنگ صرفه‌جویی، سازمان‌ها می‌توانند هزینه‌های خود را به شکل قابل توجهی کاهش دهند. با این حال، اجرای برنامه‌های کاهش هزینه نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و مدیریت هوشمندانه است تا از چالش‌هایی مانند مقاومت در برابر تغییر و کاهش کیفیت جلوگیری شود. سازمان‌هایی که بتوانند این چالش‌ها را با موفقیت مدیریت کنند، قادر خواهند بود تا بهره‌وری خود را افزایش داده و در بازار رقابتی امروزی، به موفقیت‌های بیشتری دست یابند.

من و همکارانم در روزنامه فرصت امروز امیدواریم نکات مورد بحث در این مقاله کمکی هرچند کوچک به شما برای آشنایی با روش‌های کاهش هزینه در سازمان‌های بزرگ کرده باشد. مثل همیشه اگر سوالی درباره نکات مورد بحث در این مقاله داشتید، کارشناس‌ها ما همیشه آماده کمک و تعامل با کسب و کارتان هستند. پس تعارف را کنار گذاشته و با ما در ارتباط باشید.

منابع:

cost-cutting-that-۰۷۰۷۲۲۷https://hbr.org/makes-you-stronger https://ca.indeed.com/career-advice/career-development/how-to-reduce-costs https://quandarycg.com/how-to-cut-costs-while-increasing-efficiency-in-your-business